



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30, No 1, Spring 2023

Received date: 2023.02.27

Acceptance date: 2023.06.10



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1402.30.1.8.1

Biopolitics and the possibility of redefining the concept of life in the shadow of sanctions

Vida Yaghooti¹



Abstract

The ongoing events in Iran, which often take the form of alternating crisis cycles, indicate the economic pressures caused by sanctions on the biopolitics of Iranian society. As in the past decade, we have periodically witnessed the emergence of economic problems and crises that have affected the political life of Iranians, without their effects and consequences being controlled and managed in the long term. Therefore, the decisive role of the economy in biological policies, regulations and interventions related to society on one hand and understanding the effect of economic sanctions on the quality of collective life and the attitude of Iranians to life on the other hand helps us to find out the effects of economic sanctions and its relationship with the evolution of the concept of life during the past periods. Therefore, the main question is, how do economic sanctions cause a change in the concept of life and daily life processes among Iranians? The argument put forward is that the conflict between the importance of life and community life in the light of the welfare and happiness of the society on the one hand and the official government policy of prioritizing non-economic issues on the other hand, is an obvious conflict in the understanding of the embargoed situation among politicians and citizens. has created. This research is practical in terms of methodology and with a qualitative-interpretive approach and using the framework of bio-politics theory, it examines the developments of the last decade in the political, economic and social spheres and the developments caused by economic sanctions to understand its dimensions precisely. Finally, it reveals the importance of the economic dimension of life to shape policies. The method of data collection in the current research is documents and the data collection tool is taking samples from authentic and scientifically valid sources.

Keywords: Bio-Politics, Economic Sanctions, Concept of Life.

¹- Afpak group secretary and guest researcher at Center for Scientific Research and Middle East Strategic Studies, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش های علمی و
مطالعات استراتژیک خاور میانه

فصلنامه علمی مطالعات خاور میانه

سال ۳۰، شماره ۱، پیاپی (۱۱۱)، بهار ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۲.۳۰.۱.۸.۱

نوع مقاله: پژوهشی

زیست سیاست^۱ و امکان بازتعریف مفهوم زندگی در سایه تحریم

ویدا یاقوتی^۲



چکیده

رخداد‌های ساری و جاری در ایران که اغلب به شکل چرخه‌های متناوب بحران سر بر می‌آورد، بیانگر فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها بر پیکره جامعه ایران است. چنانکه در یک دهه گذشته به‌طور دوره‌ای شاهد بروز مشکلات و بحران‌های اقتصادی بوده‌ایم که زیست سیاسی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داده است، بی‌آنکه آثار و پیامدهای آن‌ها در بلندمدت کنترل و مدیریت شود. بنابراین، نقش تعیین‌کننده اقتصاد را در سیاست‌های زیستی، مقررات و مداخلات مربوط به جامعه از یک‌سو و فهم این موضوع که تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر کیفیت زندگی جمعی و نوع نگرش ایرانیان به زندگی چگونه بوده است از سوی دیگر، به ما کمک می‌کند که آثار تحریم‌های اقتصادی و رابطه آن با تحول مفهوم زندگی در طول ادوار گذشته را دریابیم. بنابراین، متأثر از عدم تبیین مفاهیم پایه و نگرش اصولی از طریق آشنایی با کارکرد تحریم‌ها و اثرات آن بر زیست سیاسی، سیاست‌گذاری‌های فعلیت‌یافته در باب مسئله تحریم که تحت تأثیر عدم برآورد روندهای موجود و فقدان چشم‌انداز تحلیلی آینده‌پژوهانه قرار گرفته و تا کنون نیز ادامه دارد مورد توجه قرارگیرد. پرسش اصلی این است که تحریم‌های اقتصادی چگونه موجب تحول در مفهوم زندگی و فرایندهای زندگی روزمره در میان ایرانیان می‌شود؟ استدلال مطرح شده آن است که منازعه میان اهمیت زندگی و زیست جمعی در پرتو رفاه و شادکامی جامعه از یک‌سو و سیاست رسمی دولت مبنی بر اولویت‌گذاری مسائل غیر اقتصادی از سوی دیگر، تعارض آشکاری در درک وضعیت تحریمی در میان سیاستمداران و شهروندان به وجود آورده است. پژوهش حاضر از حیث سنخ‌شناسی کاربردی است. با رویکرد کیفی-تفسیری و با بهره‌گیری از چارچوب نظریه زیست سیاست، تحولات یک دهه اخیر را در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تحولات ناشی از تحریم‌های اقتصادی برای فهم دقیق ابعاد آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت اهمیت بعد اقتصادی زندگی را برای شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌ها عیان می‌سازد. روش گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر اسنادی و ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری از منابع اصیل و دارای اعتبار علمی است.

واژگان کلیدی: زیست سیاست، تحریم‌های اقتصادی، مفهوم زندگی.

^۱ Biopolitics

^۲ - دبیر گروه افپاک و پژوهشگر مهمان مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاور میانه، تهران، ایران.

v.yaghooti@yahoo.com

این مطالعه آسیب‌های انسانی تحریم‌های چندجانبه و یکجانبه بر شهروندان ایرانی را با تمرکز بر تأثیرات اقتصادی اصلی یعنی نرخ‌های بالای تورم بررسی می‌کند. اگرچه همه تأثیرات اقتصادی به‌صورت جامع و بر اساس روش پژوهش میدانی و آزمایشی نیست، اما برای ارائه یک روایت منسجم و توضیح آسیب‌های ناشی از تحریم، سعی شده از داده‌ها و اطلاعات شوک‌های اقتصادی از طریق آمار مراکز معتبر داخلی و بانک جهانی استفاده شود.^۱ تحریم در واقع یک سلاح ایجاد تورم است، بنابراین، مطالعه رفاه و تغییرات در زیست جمعی شهروندان از این حیث دارای اهمیت است. به این ترتیب، لازم است بدانیم تورم -بویژه زمانی که هدف القای تورم حداکثری در تمام سطوح در کشور هدف است- سبب‌ساز چه تغییراتی در زیست جمعی شهروندان خواهد شد. سیاست‌گذاری‌های فعلیت‌یافته در باب مسئله تحریم نیز تحت تأثیر مسائل امنیتی، سوءفهم‌ها و تناقض‌های مفهومی در قرائت‌های رسمی دولت‌ها قرار گرفته که تا کنون نیز ادامه دارد. به نحوی که سیاست‌های اعمال تحریم و مقابله با تحریم مدام دچار چالش‌ها و نوساناتی بوده است که بر پایه آن بخشی از تجارب تاریخی ما در فهم بنیان‌های نظری و پیامدهای آن بر زندگی نادیده گرفته شده است. تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر مفهوم زندگی در ایران مانند چین و روسیه صرفاً یک «اثر نمایشی»^۲ نیست، بلکه تأثیر آن بر فلسفه زندگی و تجارب شخصی ایرانیان حداکثری و تهدیدهای آن قابل مشاهده است. اگر تحریم‌ها در اوایل انقلاب و حتی در طول جنگ منجر به همبستگی سیاسی در کشور می‌شد، اما نمی‌توان ادعا کرد، این دیدگاه با وجود چرخه تکرارپذیری تحریم‌ها و هدفمند شدن آن‌ها تاکنون نیز به همین شکل بدون تحول و تغییر مانده است. در این میان، بسیاری از پژوهشگران، مدیران، مجریان و سیاستگذاران قربانی خطاهایی می‌شوند که در تعیین ضرورت‌های اولیه یا اولیّت‌ها (مسائل فوریت‌دار) و اولویت‌ها و فهم نظام سلسله مراتبی مسائل وجود دارد. ضرورت پرداختن به مشکل و فرمول‌بندی آن‌ها در قالب مسئله و سپس مسئله‌مند اندیشی از آنجایی ناشی می‌شود که رسالت سیاست‌گذاری، شامل مراحل چون توصیف و طبقه‌بندی ارزش‌ها، مشخص کردن اهداف سازگار با ارزش‌ها، شناسایی تمام گزینه‌های مربوط یا ابزار رسیدن به این اهداف، محاسبه تمامی پیامدهای ناشی از این گزینه‌ها و مقایسه آن‌ها و در نهایت انتخاب یک گزینه یا ترکیبی از آن‌ها است.

ادبیات پژوهش

با توجه به اینکه در این پژوهش موضوعات زیست‌سیاست، معنای زندگی و تحریم اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. در حوزه نظری مباحثی از زیست‌سیاست در قالب کتاب و مقالات وجود دارد و در زمینه واکاوی معنای زندگی و تحریم‌های اقتصادی نیز آثار متعددی وجود دارد که به اختصار به مهم‌ترین این آثار اشاره خواهد شد.

۱ - برای نشان دادن ارتباط بین تأثیرات کلان اقتصادی تحریم‌ها و کاهش رفاه خانوارها، می‌توان بر مکانیسمی تمرکز کرد که فضای تورمی کشور را نشان می‌دهد و کالاهای اساسی از جمله غذا و دارو را هم از دسترسی آسان شهروندان خارج کرده و این اقلام به سختی قابل تهیه هستند.

۲ - Demonstration Effects: اثر نمایشی: اصطلاح رایجی است که به رفتار افراد ناشی از مشاهده اعمال دیگران و پیامدهای آن‌ها اشاره دارد. این اصطلاح بویژه در حوزه‌های اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی برای توصیف این پدیده به‌کار می‌رود که توسعه یا تحریم در یک مکان ممکن است به‌عنوان یک کاتالیزور برای تقلید در مکان یا زمینه‌ای دیگر عمل کند. این پدیده همچنین می‌تواند با عرصه‌ها و سنت‌های فرهنگی به شیوه‌ای مشابه مرتبط باشد.

۳- Duesenberry, J, S, (1949). Income: Saving, and the Theory of Consumer Behavior, Harvard University Press.

میشل فوکو در کتاب «زیست‌سیاست: درس‌گفتارهای کلژ دو فرانس» به بررسی سیطره قدرت بر زندگی پرداخته است. مقصود فوکو از زیست‌قدرت، دستیابی قدرت به انسان به منزله موجودی زنده است، به‌طوری که امر زیستی زیر کنترل دولت قرار گرفته و دست‌کم، گرایشی به کنترل دولتی امر زیستی به وجود آمده است. این یکی از اساسی‌ترین پدیده‌هایی است که فوکو شکل‌هایی از آن را در قرن نوزده و در میان‌پرده‌های ظلمانی قرن طولانی بیستم، در استالینسم و فاشیسم، می‌نمایاند. در مورد میزان وفاداری جورجو آگامبن، آنتونیو نگری، مایکل هارت، پل رابینو، دانا هاروی، پاسکواله پاسکویینو، آلبرتو توسکانو، ویلیام کونولی و طیف وسیعی از اندیشمندان این نسل به میشل فوکو، بر پایه درس‌گفتارهای مربوط به زیست‌قدرت و زیست‌سیاست بهتر می‌توان داوری کرد. دغدغه فوکو در کتاب تولد زیست‌سیاست پایان دادن به بسیاری از بدفهمی‌ها و سوءتعبیرها از برخی از مفاهیم اندیشه سیاسی، برای مثال نئولیبرالیسم، است. آنچه فوکو در این کتاب پیش‌روی ما می‌نهد، بیش از آنکه توصیف یا تفسیری از سیر تطور مکاتب سیاسی و فکری باشد، شرحی مبسوط از اصول کلی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، و روش‌شناختی آن‌هاست. بنابراین، کتاب تولد زیست‌سیاست را باید در چارچوب کلی نظریه فوکو در باب «گفتمان» ادراک کرد؛ نظریه‌ای که با ابتدای بر میراث فلسفی غنی گذشتگان مطرح می‌شود و اثری ژرف را در آیندگان باقی می‌گذارد؛ نظریه‌ای که از زاویه دیدی مبتنی بر «انتظام در پراکندگی» ارائه می‌شود و وحدت یک گفتمان را در ناهم‌پیوستگی و برهم‌کنش وجوه افتراق ابژه‌های آن جست‌وجو می‌کند.

توماس لمکه در کتاب «درآمدی پیشرفته بر زیست‌سیاست» پژوهش‌های فلسفی و نظری ماهرانه‌ای را که تحلیل‌های فوکو را به دقت شرح می‌دهد و گاهی اوقات ابعاد کلیدی تحلیل‌های وی را به چالش می‌کشد ارائه می‌کند. همچنین رابطه‌ای میان جنبه‌های مثبت‌تر زیست‌سیاست (مانند افزایش و تقویت زندگی) و جنبه‌های منفی آن (مانند کاهش و از بین بردن زندگی) وجود دارد، می‌پردازد. در کتاب لمکه با رویکرد میان‌رشته‌ای در زمینه زیست‌سیاست مواجه هستیم که در رشته‌های مختلفی از جمله تاریخ علم، انسان‌شناسی فرهنگی، مطالعات جنسیت، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، جغرافیای سیاسی، پزشکی، بیوتکنولوژی و... انجام می‌شود. دو گرایش اغلب جدای از یکدیگر توسعه یافته‌اند. در نتیجه دو بدنه متمایز از ادبیات در مورد زیست‌سیاست وجود دارد: یکی تاریخی - فلسفی - نظری؛ و دیگری تجربی. کتابی که لمکه به تحریر آن پرداخته است، در عین حال که به گرایش اول اختصاص دارد و به تاریخچه زیست‌سیاست و مباحث فلسفی و نظری آن می‌پردازد، به مطالعات تجربی اخیر نیز توجه دارد.

دیوید کیشیک در کتاب «قدرت زندگی: آگامبن و سیاست آینده» تلاش می‌کند تفکرات جورجو آگامبن از زندگی را به‌منزله راه‌ورسم سیاسی شایسته زندگی (bios در یونانی) در تقابل با واقعیت زیست‌شناختی زنده‌بودن (zoe در یونانی) مورد بررسی قرار دهد. کیشیک در این اثر توضیح می‌دهد این واقعیت که یونانیان باستان اشکال متنوعی از حیات را درک می‌کردند، بر رویکرد آگامبن تأثیر بسزایی داشته است. او در طرح این تمایز یونانی بین انواع حیات متأثر از ارسطو و مشخصاً کتاب «سیاست» اوست. به‌زعم کیشیک آگامبن نتیجه این تمایز را شکل‌گیری حیات برهنه یا هوموساکر می‌داند و به همین ترتیب سیاست را چیزی نمی‌داند جز شیوه بازگرداندن حیات برهنه به کانون دولت‌شهر. سیاست در نظریه آگامبن به معنای تعلیق رابطه میان وسیله و هدف یا همان سیاست وسایل محض است که خود را از رابطه با یک هدف رها نکرده است. در این کتاب به‌طور کلی به پیوندهای زندگی و سیاست در سرتاسر زندگی و آثار جورجو آگامبن می‌پردازد.

رضا نجف‌زاده در مقاله «زیست‌قدرت در اندیشه سیاسی فوکو، آگامبن و نگری: از جامعه انضباطی تا جامعه کنترلی جهانی» پیشینه کاربرد مفاهیم زیست‌قدرت و زیست‌سیاست و معرفی دیدگاه‌های برخی از نظریه‌پردازان سنت انگلوامریکن، تلقی فوکو از این مفاهیم را مطالعه می‌کند. سپس، در بخش‌های دیگر این پژوهش، بر اساس اندیشه‌های جورجو آگامبن،

آنتونیو نگری و مایکل هارت، به بررسی گسست در سنت فوکویی مطالعات قدرت‌زیستی می‌پردازد. در پایان، کاستی‌های اندیشه سیاسی و تاریخی فوکو را برمی‌شماریم و برای امکان یا امتناع کاربست روش‌شناسی‌ها و نظریه‌های وی در وضعیت استثنایی پایدار یا وضعیت سرمایه‌داری اطلاعاتی واقعاً موجود ملاحظات را مطرح می‌کند.

نیکلاس مولدر در کتاب «**سلاح اقتصادی: ظهور تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای جنگ‌های مدرن**» تحریم‌های اقتصادی را به عنوان چشم‌اندازی که امروزه بر فضای سیاست جهانی حاکم است مورد بررسی قرار می‌دهد. در این اثر ابتدا به تاریخچه تحریم که اولین بار در اوایل قرن بیستم به عنوان راهی برای بهره‌برداری از جریان‌های جهانی شدن است می‌پردازد و معتقد است دولت‌های غربی برای دفاع از اتراناسیونالیسم لیبرال، تحریم را به عنوان جایگزینی برای جنگ قابل استفاده می‌دانند. در ادامه با طرح نمونه‌ها، این دیدگاه پارادوکس تاریک را نقد می‌کند: مولدر معتقد است تحریم‌های اقتصادی که برای جلوگیری از جنگ طراحی شده، از همان تکنیک‌های ویرانگر جنگ الگوبرداری شده‌اند اما به شیوه‌ای دیگر اجرا می‌شود. نیکلاس مولدر در این اثر از طریق گردآوری داده‌های مربوط به تحریم‌های اقتصادی از جنگ جهانی اول و دوم، از تحقیقات آرشیوی گسترده‌ای در تاریخ سیاسی، اقتصادی، حقوقی و نظامی استفاده کرده که نشان دهد چگونه یک ابزار اجباری که مانند یک جنگ عمل می‌کند به عنوان ابزار حفظ صلح توسط جامعه ملل پذیرفته شد. این مطالعه به موقع روشن می‌کند که چرا تحریم‌ها به‌طور گسترده نوعی جنگ در نظر گرفته می‌شوند و چرا پیامدهای ناخواسته آن بسیار عظیم است.

با توجه به نمونه‌هایی از ادبیات مورد نظر مشخص شد هیچ‌یک از این آثار و سایر منابع مربوط به این پژوهش سه مفهوم فوق را در ارتباط با معنای زندگی در جامعه ایران و تحول مفهوم زیست‌سیاسی ایرانیان در پرتو تحریم‌های اقتصادی مدنظر قرار نداده‌اند. از این رو جنبه نوآوری این پژوهش بررسی این مفاهیم در قالب یک طرح است که به زبان علمی، صریح، روشن و واقع‌بینانه تحول زیست‌سیاست و مفهوم زندگی در سایه تحریم‌های اقتصادی را در ایران مورد بررسی قرار می‌دهد.

تعریف مفاهیم

• زیست‌سیاست

افراد در استفاده از مفهوم زیست‌سیاست، معانی متکثر و متباینی در نظر دارند؛ نخستین بار به عنوان فلسفه زندگی و به عنوان گرایش فلسفی مستقلی در نیمه دوم قرن نوزدهم، تکوین یافت. بنیانگذاران آن در آلمان آرتور شوپنهاور^۱ و فردریش نیچه و در فرانسه هنری آلبرگسون بودند. هر یک از فلاسفه زندگی مواضع فکری و نظری متفاوتی داشتند. اما ارزیابی مجدد «زندگی» و انتخاب آن به عنوان مقوله‌ای بنیادین و معیاری تجویزی برای تندرستی، امر نیک و حقیقت، در میان آن‌ها مشترک بود. زندگی به معنای واقعی جسمانی یا وجودی اندام‌وار، غریزه، شهود، احساس، یا تجربه در برابر امر «بی‌جان» و «متصلب» قرار داشت، اموری که در مفاهیم «انتزاعی»، منطق «خشک»، یا جان بی‌روح نمود می‌یافتند. مفهوم زندگی معیاری برای بررسی انتقادی فرایندهایی بود که تصور می‌شد با آن ناسازگاری دارند- مانند فرایندهای عقلانی‌شدن، متمدن‌شدن، ماشینی‌شدن و فناوری‌سازی (لمکه، ۱۳۹۶: ۱۵).

ظاهراً برای نخستین بار این جی. اچ. هریس بود که از مفهوم «زیست‌سیاست» استفاده کرد. وی در یک مقاله با همین عنوان طی روزهای پر آشوب اروپای اوایل قرن بیستم مقصود خود را، از این اصطلاح چنین بیان می‌کند:

زیست‌سیاست، سیاستی است که باید دو بعد از ملت را در نظر گیرد: نخست، افزایش جمعیت و رقابت و دوم خصلت‌های فردی مردانی که برای به عهده گرفتن مناصب و مسئولیت‌های دولت آماده‌اند^۲.

^۱ Arthur Schopenhauer

^۲ Friedrich Nietzsche

^۳ Henri Bergson

بعد از آن نیز رودلف کیلن متخصص علوم سیاسی اهل سوئد این اصطلاح را به کار برد. اما این دو تنها کسانی نبودند که از این اصطلاح استفاده کردند. همچنین در شاخه اصلی به اصطلاح «علم سیاست» نیز زیست قدرت و زیست سیاست در معانی خاصی به کار رفته است. نویسندگان قائل به این رهیافت از مفاهیم و روش های زیست شناسی تکاملی برای درک رفتار سیاسی بهره می گیرند (نجف زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۱). علم گرایان بر سودمندی مفاهیم تکاملی نئوداروینی و روش های تحقیق مبتنی بر زیست شناسی در علم سیاست تاکید دارند، در حالی که این تلقی از زیست سیاست و نسبت قدرت با بیولوژی انسان کاملاً با تلقی فوکویی از این مفاهیم تفاوت دارد. اما تداوم همین رویکرد سیاسی به حیات و عرصه بیولوژیک را می توان در کار آنتونی گیدنز نیز مشاهده کرد. با این تفاوت که وی به جای زیست سیاست ترجیح می دهد از مفهوم سیاست حیاتی بهره گیرد (نجف زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

• معنای زندگی

اصطلاحی واحد برای بیان منظور ما از کلمه «زندگی» وجود ندارد. اما یونانیان دو اصطلاح را به کار بردند که اگرچه در یک ریشه مشترک قابل پیگیری است، اما از نظر معناشناختی و مورفولوژیکی (ریخت شناسی) از هم متمایز هستند: (zoē)، که بیانگر یک واقعیت ساده زندگی مشترک برای همه موجودات زنده اعم از (حیوانات، انسان ها یا خدایان) است و (bios)، که نشان دهنده شکل یا شیوه زندگی مناسب با یک فرد یا یک گروه است. وقتی افلاطون از سه نوع زندگی در فیلیوس نام برد و زمانی که ارسطو زندگی متفکرانه فیلسوف را متمایز می کند (Agamben, 1995: 9).

فیلسوفان مدرن معتقدند «معنا» در یکی از معانی ذیل به کار می رود:

الف) مطلوب، غایت و هدف: از این منظر زندگی هدف دار، زندگی معنادار شمرده می شود. البته کلیه اعمال انسان دارای هدف معین و مشخص هستند؛ هدفی که توجیه گر آن فعل اختیاری و معنابخش آن است.

ب) اهمیت، اعتبار و ارزش: در نگاه مبتنی بر ارزش از آنجا که ارزش های انسانی در یک سطح نیستند این باور وجود دارد که بایستی ارزش های انسانی را طبقه بندی کرد تا بتوان با تفکیک ارزش های متناسب با یک زندگی اخلاقی یا یک زندگی توأم با خوشبختی، ارزش های متناسب با معنای زندگی را تعیین کرد.

ج) فایده، نقش و کارکرد: هرچند برخی از فیلسوفان تحلیلی معنای کارکرد را ذیل معنای هدف بیان کرده اند اما تفکیک آن با ملاحظه تلاقی با معنای هدف اشکالی ندارد. نظریه های کارکرد زندگی تفسیرهای گوناگونی از نقش و تاثیر هر فرد انسانی در تحقق هدف یا اهدافی است که مشخص کرده است. به این ترتیب، در بازتاب برنامه های نظام مند فرد به عنوان کنشگر، شیوه زندگی اش انعکاسی از غایت مندی، هدف گرایی، فردیت، وحدت و ثبات درونی اقدامات او به مثابه جهت دهنده زندگی - اش مؤثر است (فدایی، ۱۳۹۵: ۶۸-۷۲).

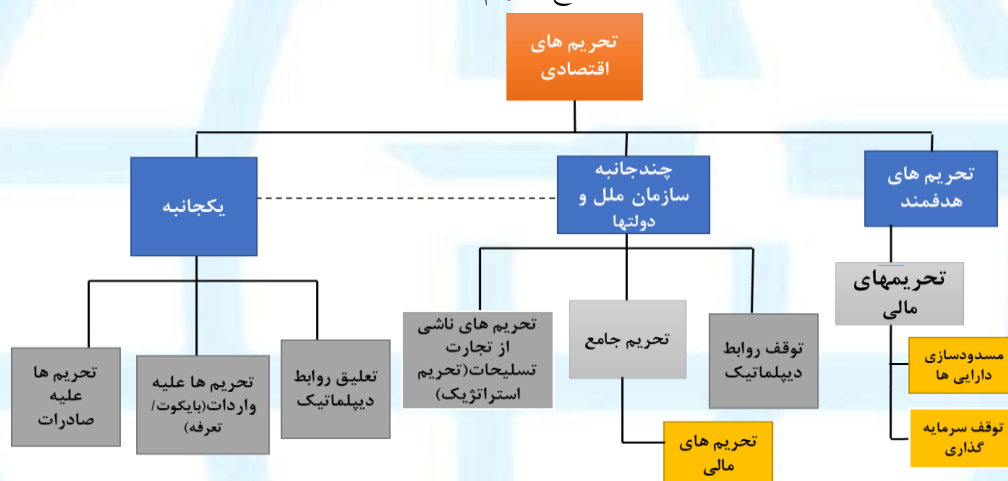
• تحریم

تحریم ها یکی از رایج ترین ابزار فشار بین المللی و یکی از بحث برانگیزترین ابزارها است. اگرچه کشورها دهه ها از این ابزار استفاده کرده اند، اما در سال های اخیر، سازوکار تحریم به یک پاسخ استاندارد به مناقشات بین المللی تبدیل شده است (زهرانی، ۱۳۷۶: ۱۹). از نظر طرفداران آن ها، تحریم ها راهی برای افزایش فشار بر دولت هایی است که اصول هنجاری بین المللی را بدون توسل به جنگ آشکار نقض می کنند. از نظر منتقدان تحریم، این روش ها بی اثر هستند و چیزی بیشتر از یک نمایش قدرت سیاسی نیست و در این میان، احتمال آسیب رساندن به افراد بی گناه بیشتر از اهداف مورد نظرشان است. تحریم ها به تدریج در طی قرن ها توسعه یافته اند، همانطور که بازی برای قدرت از شکل اعمال نفوذ و تسلط بی رحمانه در

گذشته به سمت سازمان‌دهی موازنه قدرت و در نهایت، تدوین ترتیبات حقوقی و امنیت جمعی بین‌المللی تکامل یافت (Gottemoeller, 2007: 99).

به‌طور کلی در این پژوهش تحریم‌های اقتصادی مورد نظر است. تحریم‌های اقتصادی از جهت هدف دو نوع هستند: اول، تحریم اقتصادی به منظور بی‌ثبات کردن رژیم سیاسی کشور هدف است که در واقع برگرفته از تضاد در منافع استراتژیک کشور تحریم‌کننده و کشور هدف می‌باشد؛ این نوع تحریم برای تغییر رژیم کشور هدف است. دوم، تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف صورت می‌گیرد. این نوع تحریم به مراتب ملایم‌تر از نوع اول است. زمانی که کشورها به دنبال تغییر رژیم یک کشور هستند، تحریم نوع اول اعمال می‌شود با این هدف که لطمه‌ای سنگین به منافع کشور هدف وارد آید. در واقع در این نوع تحریم، عملاً تحریم اقتصادی جایگزین جنگ و گزینه «ماقبل جنگ» تلقی می‌شود (عمادی، ۱۳۹۱).

نمودار ۱. انواع تحریم اقتصادی



چارچوب نظری پژوهش

زیست‌سیاست، همانطور که به‌طور سنتی توسط میشل فوکو (۱۹۷۸) تعریف می‌شود، چیزی است که زندگی و سازوکارهای آن را وارد محاسبات صریح دولت می‌کند. اما به مرور زمان این تعریف به حوزه‌های دیگر دانش نیز منتقل شد. در واقع در جهان مدرن، به‌طور مداوم زندگی اجتماعی در معرض تهدید قرار دارد. از این رو که سازوکارهای زندگی اجتماعی می‌تواند از وضعیت بقاء به وضعیت فنا معکوس شود. زیست‌سیاست امتداد سیاست نیست بلکه، با صورتبندی مجدد مفاهیم مربوط به حاکمیت سیاسی و مسلط ساختن شکل جدیدی از دانش سیاسی، هسته مرکزی سیاست را تغییر می‌دهد (لمکه، ۱۳۹۶: ۳۷).

در نتیجه آنچه بین تمام نمایندگان «زیست‌سیاست» نقد رویکرد نظری و روش‌شناختی علوم اجتماعی است، از نظر آن‌ها نابسندانه‌اند. بنابر استدلال آن‌ها، چون علوم اجتماعی بر این فرض استوار است که نوع بشر اصولاً موجوداتی آزاد هستند، این دیدگاه به فرایندهای یادگیری و اجتماعی‌شدن بیش از حد بها می‌دهد و در نتیجه از فهم این نکته عاجز است که شکل‌گیری بخش عمده‌ای از رفتار سیاسی انسان‌ها مشروط به چگونگی زیست آن‌ها است. از این منظر، فرهنگ‌گرایی علوم اجتماعی در سطح می‌ماند زیرا پیوسته علل عمیق‌تر رفتار انسان‌ها را نادیده می‌گیرد (لمکه، ۱۳۹۶: ۲۳).

فوکو در مجموعه‌ای از آثار دهه ۱۹۷۰ خود گستره تاریخی و نظری زیست‌قدرت و زیست‌سیاست است را واکاوی و ترسیم کرده است. فوکو معمولاً تاریخ پس از قرون وسطی را به سه مرحله تقسیم می‌کند، این سه دوره عبارت‌اند از: رنسانس، کلاسیک (قرن هفدهم و هجدهم یا عصر روشنگری) و مدرن (قرن نوزدهم و یا شاید همچنین بیستم) بر اساس این نگرش

از عصر کلاسیک به این سو در غرب دگرگونی بسیار عمیقی در سازوکارهای قدرت رخ داده است. بر خلاف قدرت حاکمه پیشین، که به تعبیر فوکو با برداشت، تفریق، تصاحب و خراج‌گیری تحمیلی از محصولات، اموال، کار و خون اتباع مشخص می‌شد، قدرت حاکمه جدید بیشتر قصد تولید، افزایش و سامان‌دهی نیروها را دارد، نه ممانعت، مطیع‌سازی یا نابودی؛ به این ترتیب حق مرگ تا حدودی به «مدیریت زندگی» بدل می‌شود (نجف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

در همین راستا، فوکو در پایان جلد نخست *تاریخ جنسیت*^۱ در راستای تبیین چگونگی ادغام زندگی در سیاست و تبدیل سیاست به زیست‌سیاست بار دیگر به قیاس دیدگاه خود و نظریه حقوقی پرداخته و سعی کرده خطوط تمایز این دو را برجسته سازد؛ او تحلیلی از قدرت را ارائه می‌دهد که آگامبن نیز در *هومو ساکر* بحثش را در باب زیست‌سیاست از همین تحلیل آغاز می‌کند. فوکو در اینجا نیز قدرت حقوقی را مبتنی بر طرد، سانسور، یکپارچگی و قانون معرفی می‌کند و معتقد است رابطه میان قدرت و ابژه آن رابطه‌ای سلبی است (محبوبی آرانی و جمالی، ۱۳۹۹: ۱۹۸).

میشل فوکو در «*تاریخ جنسیت*» و «*اراده به دانستن*»، فرایندی را خلاصه می‌کند با این شرح که در آستانه عصر مدرن، زندگی طبیعی در سازوکارها و محاسبات قدرت دولت گنجانده می‌شود و سیاست به زیست‌سیاست تبدیل می‌شود به اعتقاد فوکو: «برای هزاره‌ها، انسان همان چیزی است که در توصیف ارسطویی باقی ماند: حیوانی زنده با استعداد مضاعف برای یافتن وجود سیاسی. انسان مدرن حیوانی است که سیاست وجود او را به‌عنوان یک موجود زنده زیر سوال می‌برد». طبق گفته فوکو، «آستانه مدرنیته بیولوژیک» یک جامعه در نقطه‌ای قرار دارد که گونه‌ها و افراد به‌عنوان یک جسم ساده تبدیل به آنچه در استراتژی‌های سیاسی جامعه است، می‌شوند (Agamben, 1995: 10).

پس از سال ۱۹۷۷، در دوره‌های کلژ دوفرانس بر روی گذار از «قلمرو سرزمینی» به «جمعیت» و در نتیجه افزایش اهمیت سلامت و زندگی بیولوژیکی ملت به‌عنوان یک مسئله در قدرت حاکمیت تمرکز می‌کنند. تقریباً بیست سال قبل از نگارش «*تاریخ جنسیت*»، هانا آرنهت قبلاً فرایندی را تجزیه و تحلیل کرده بود که آزمایشگاه‌های (همو) و به همراه آن، زندگی بیولوژیکی به تدریج مرکز صحنه سیاسی مدرنیته را اشغال می‌کند. آرنهت در اثرش با عنوان در «*وضع بشر*» ویژگی تحول و انحطاط قلمرو سیاسی در جوامع مدرن نسبت به همین تقدم زندگی طبیعی بر کنش سیاسی را توضیح می‌دهد. مرگ فوکو مانع از این شد که نشان دهد چگونه می‌تواند مفهوم و مطالعه زیست‌سیاست را توسعه دهد (Agamben, 1995: 10).

با ورود دو نظریه اقتصاد انسانی و سرمایه انسانی به حوزه زیست‌سیاست روایتی فراگیر از مدیریت شرایط ارائه شد که کیفیت زندگی فرد و گروه را دنبال می‌کرد. مفهوم انسان اقتصادی برگرفته از آثار جامعه‌شناس و فیلسوف اتریشی، رودلف گلدشاید است. او در رساله خود درباره *زیست‌شناسی اجتماعی* (۱۹۱۱) به دنبال آن بود که راهنما و روایتی فراگیر از مدیریت شرایط (باز) تولید زندگی انسانی ارائه کند. او در مقابل سرمایه‌داری از بدیل سوسیالیستی استقبال می‌کند: اقتصادی کاملاً برنامه‌ریزی شده که می‌تواند با ایجاد بنیانی برای پرورش عقلانی زندگی یاری رساند. با تمرکز بر ایده اقتصاد انسانی و سرمایه انسانی به‌عنوان نظریه‌هایی که تعارض بین سیاست، اخلاق و اقتصاد را خنثی می‌کنند؛ ذکر این نکته که زندگی انسان معیاری برای اقتصاد نیست ضروری به نظر می‌رسد اما باید توجه داشت تابعی از ضرورت اقتصادی ارزش‌گذاری در عصر حاضر است و هدف این تلاش‌ها بهبود خصایص انسانی در کلیت خود خواهد بود (لمکه، ۱۳۹۶: ۱۰۶-۱۱۰).

با تحول مفهوم زیست‌سیاست، ملیندا کوپر در کتاب *زندگی به مثابه امری مازاد: زیست‌فناوری و سرمایه‌داری در عصر نئولیبرالیسم* (۲۰۰۸)، با در نظر گرفتن این فرض که زندگی در مدارهای ارزش‌آفرینی کشیده شده است، به‌عنوان نقطه

^۱ History of Sexuality

^۲ Homo sacer

عزیمت خود بر روابط بین عملکردهای علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تأکید می‌کند. کوپر در تحلیل‌های نافذ خود سیاست علمی و حتی نظامی‌سازی علوم زیستی و جنبش حامی زندگی، آن دسته از انگیزه‌هایی را بررسی می‌کند که موجب تحرک و رشد اقتصاد زیستی شده‌اند. در این کتاب، زندگی به مثابه امری مازاد، ارزیابی روشنی از ابعاد تحول‌بخش که در اطراف اقتصاد زیستی در حال ظهور متبلور شده است، ارائه می‌کند (لمکه، ۱۳۹۶: ۱۱۴-۱۱۵).

اینک ویژگی‌های زیستی انسان‌ها به شیوه‌هایی که در گذشته حتی تصور آن نیز وجود نداشت اندازه‌گیری، مشاهده و فهم می‌شود. در این مقاله، سعی بر آن است فارغ از دو تفسیر سیاست‌گرا و طبیعت‌گرایانه به بررسی حوزه‌ای بپردازیم که به زیست‌سیاست اختصاص دارد اما مغفول مانده است. بر خلاف رویکردهای نظری که زیست‌سیاست را از اقتصادی کردن زندگی جدا می‌سازد نشان خواهیم داد که این دو حوزه از یکدیگر جدا نیستند. از طریق رویکردهایی مانند ایده «انسان اقتصادی» مفهوم «سیاست حیاتی»^۱ و چشم‌اندازهای «زیست اقتصاد» نقش اقتصاد را در تحول طرح‌های سیاسی معاصر و فرایند زندگی به عنوان عاملی مستقل، عینی و قابل اندازه‌گیری و واقعیت جمعی که از موجودات زنده انضمامی و تجربه‌های فردی منفرد متمایز است توضیح خواهیم داد.

فراگیر شدن امر اقتصادی: ارزش‌های اقتصادی به مثابه بخشی از زندگی

جامعه مدنی و انسان اقتصادی دو عنصر جدایی‌ناپذیر هستند. انسان اقتصادی نقطه انتزاعی ایده‌آل و اقتصادی محضی است که واقعیت متراکم، کامل و پیچیده جامعه مدنی را اشغال می‌کند. به عبارتی، جامعه مدنی دسته عینی است که این نقاط ایده‌آل یا انسان‌های اقتصادی، باید چنان درون آن قرار گیرند که به خوبی بتوان آن‌ها را اداره کرد (فوکو، ۱۳۸۹: ۳۹۷). مفهوم اقتصاد، در دنیای امروز معانی متعددی دارد که بیان‌کننده رویکردهای متفاوت در بیان محتوای اصلی اقتصاد است «اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع محدود به خواسته‌های نامحدود است». در واقع این یک تعریف جامع از میان تعاریف متعدد اقتصاد است (کاپوراسو، ۱۳۹۲: ۲۰). انسان مدرن باید به شیوه‌ای متفاوت از انسان بدوی کار کند و تلاش بس بیشتری از او به کار ببندد که فاصله میان او و اشیای مطلوبش بس بیشتر و موانع پیش‌روی او بس دشوارتر است، اما از طرفی مقدار اشیاء‌ای که به دست می‌آورد بس بیشتر است؛ هم به لحاظ ذهنی از طریق میل و هم در عمل از طریق کار خود. فرایند فرهنگی که در آن وضعیت ذهنی و لذت جای خود را به ارزش‌گذاری اشیاء می‌دهد. عناصر رابطه دوگانه ما از نزدیکی و دوری را با وضوح بیشتری از هم جدا می‌کند. رویدادهای ذهنی در قالب ارزش عینیت می‌یابند. به عبارت دیگر، از دل وضعیت‌های عینی، مانع‌ها، محرومیت‌ها و تقاضای پرداخت «بها» سر بر می‌آورد که به یک عین و ارزش بدل می‌شود (زیمل، ۱۳۹۹: ۴۴).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد در طی چهار دهه اخیر در دنیا تولید کالاها و خدمات از رشد جمعیت سریع‌تر بوده است. به علاوه، پیشرفت‌های عظیمی نیز در آموزش و بهداشت حاصل شده است. در نتیجه امید به زندگی افزایش یافته، بی‌سوادی کاستی گرفته و کیفیت زندگی به طرق متعدد دیگر بهبود یافته است. با این وصف سطح زندگی در کشورهای توسعه‌نیافته پایین و همچنان فقر در سطح گسترده باقی مانده است (گریفین، ۱۳۹۷: ۳۲). به طور کلی، تفکر درباره جوامع معاصر زیر سیطره دو موضوع عمده قرار دارد: نخست جدایی فزاینده جهان‌ابزارها از جهان‌نمادها یا به عبارتی جهان اقتصاد از جهان فرهنگ و دوم، قدرت فزاینده اقدامات راهبردی که در میان پوچی سیاسی و اجتماعی، نه به دنبال ایجاد نظم اجتماعی، بلکه در پی تسریع تغییر و جابه‌جایی یا گردش سرمایه، کالا، خدمات و اطلاعات است (تورن، ۱۳۹۸: ۴۱).

• اقتصاد سیاسی: منطق حاکمیتی و الگوی زیست‌سیاسی مدرن

اقتصاد سیاسی به هرگونه روش حکمرانی که رفاه و سعادت ملت را تأمین کند دلالت دارد و سرانجام اقتصاد سیاسی - اصطلاحی که روسو در مقاله مشهور خود به کار برد گونه‌ای تفکر عمومی درباره سازماندهی، توزیع و محدودسازی در یک جامعه است. به اعتقاد فوکو اقتصاد سیاسی بود که خودمحدودسازی خرد حکومتی را تضمین کرد. اقتصاد سیاسی درون چارچوب اهدافی شکل گرفت که از سوی مصلحت دولت برای فن حکمرانی تعیین شده بود. در وهله اول اقتصاد سیاسی، هدف ثروتمند شدن دولت را در خود تعیین کرد. اقتصاد سیاسی تلاش می‌کرد تا رقابت مقتضی، متعادل و همواره مطلوب بین دولت‌ها را تضمین کند. اقتصاد سیاسی دقیقاً بقای تعادل دولت‌ها را آنطور که رقابت امکان‌پذیر شود مطرح کرد (فوکو، ۱۳۸۹: ۲۶).

اقتصاد سیاسی که در این دوره به عنوان دانشی مستقل پدید آمد، اصول اخلاق‌گرایانه و سفت و سخت حاکم بر تنظیمات اقتصادی مرکانتیلیستی و کامرالیستی را با خودتنظیمی خودزای بازار بر اساس قیمت‌های «طبیعی» عوض کرد. اقتصاددانانی مانند آدام اسمیت، دیوید هیوم و آدام فرگوسن تصور می‌کردند که فعالیت‌های حکومتی، فعالیت‌های طبیعی مخصوص به خود را دارد و حکومت‌ها باید در عملکرد خود به این طبیعت توجه نشان دهند. به این ترتیب فعالیت‌های حکومتی باید با این قوانین طبیعت سازگار باشند، قوانینی که خود آن‌ها را ایجاد کرده‌اند. به همین دلیل، مبنای حکومت از هماهنگی با [عوامل] بیرونی به ضابطه‌مندسازی درونی تغییر پیدا کرد. مشخصه کنش حکومتی دیگر یا فقدان مشروعیت نیست بلکه موفقیت یا ناکامی است. آنچه در کانون تأملات قرار دارد نخوت یا سواستفاده از قدرت نیست بلکه ندانستن نحوه استفاده از قدرت است به این ترتیب، اقتصاد سیاسی برای اولین بار مسئله حقیقت و اصل خودمحدودسازی را وارد هنر حکومت می‌کند (لمکه، ۱۳۹۶: ۵۰).

در نتیجه، دانستن اینکه آیا حکمرانی شهریار مبتنی بر قوانین الهی، طبیعی یا اخلاقی هست یا خیر، دیگر اهمیتی ندارد؛ آنچه اهمیت دارد کاویدن «نظم طبیعی چیزها» است که مبانی و حدود کنش حکومتی را مشخص می‌کند این هنر جدید حکومت که در اواسط قرن هجدهم پدید آمد دیگر به دنبال پیشینه‌سازی قدرت دولت نبود بلکه عملکرد آن مبتنی بر «حکومت اقتصادی» بود که تلاش داشت با بررسی اقدامات سیاسی دریابد کدامیک ضروری و مفید هستند و کدامیک بیهوده و حتی مضر. اما این تغییر لزوماً به معنای کاهش قدرت دولت نبود، بلکه به نحو تناقض‌آمیزی این توسل لیبرالی امکان فراتر رفتن از طبیعت را نیز فراهم می‌ساخت. نگاه خودانتقادی فوکو به برداشت‌های قبلی خود از لیبرالیسم در درس‌گفتارهای او در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ «لیبرالیسم را چارچوب کلی زیست‌سیاست» تعریف می‌کند و این برداشت نشان می‌دهد فوکو نگرش خود به لیبرالیسم را تغییر داده است و برخلاف دیدگاه تک‌بعدی پیشین او به مفهوم زیست‌سیاست با ورود مفهوم حکومت به افق نظری او در این زمینه وسعت می‌بخشد. از این منظر زیست‌سیاست مجموعه‌ای ویژه، پویا و خصوصیت اصلی حکومت لیبرالی است (لمکه، ۱۳۹۶: ۵۱-۵۳).

نقش تحریم‌های اقتصادی در تحول مناسبات دولت و جامعه (تعویق توسعه سیاسی)

سیاست تحریم، بازخوانی، بودجه دولت و جریان کالا و سرمایه کشور هدف است. تحریم‌کنندگان عموماً از طریق اطلاعات به دست آمده تحریم‌ها را به نحوی اعمال خواهند کرد که مستقیماً بر جریان کالا و سرمایه، اثر بگذارد. بنابراین، برای ایجاد اختلال در بودجه دولت، بخش‌های بانکی و مالی کشورها را مورد هدف قرار خواهند داد. در دهه‌های اخیر سازوکار تحریم‌ها بسیار پیچیده شده، در عین حال اثرگذاری آن به عنوان اهرم فشار به مراتب افزایش یافته است. در رویکردهای موجود عمدتاً مضرات واقعی آن اغلب تحت‌الشعاع مزایای احتمالی آن قرار می‌گیرد. تحریم‌های اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای

به‌عنوان یک تکنیک قانونی و غیرنظامی برای مبارزه با تهدیدکنندگان صلح بین‌المللی استفاده می‌شود. با وجود آسیب‌های بسیاری که تحریم‌ها بر شهروندان عادی کشورها می‌گذارند، دولت‌ها همچنان درگیر تحریم‌های گسترده یکجانبه یا دوجانبه (تحریم‌های جاری ایالات متحده علیه ایران) و تحریم‌های چندجانبه و «هدف‌مند» هستند. اگرچه تحریم‌های هوشمند با این ادعا که شهروندان یک جامعه و نیازهای اساسی آن‌ها را هدف قرار نمی‌دهد اعمال می‌شوند، اما آنچه از آمارها می‌توان دریافت این است که تحریم‌ها در اصول جنگ و صلح از «رویکرد توزیع آسیب»^۲ به‌طور عادلانه حمایت نمی‌کنند.^۳ از این رو، مطالعه در این حوزه صرفاً یک مطالعه اقتصادی نیست، بلکه بازخوانی وضعیت زندگی مردم عادی، گسترش فقر و بیماری، خشم و افسردگی در میان جامعه است. از مهم‌ترین آثار منفی این تحریم‌ها کاهش توان طبقه متوسط و متعاقباً آن توقف توسعه سیاسی است. با فشارهای اقتصادی مطالبات سیاسی جامعه به مرور زمان تحلیل رفته و توسعه سیاسی در این کشورها به تعویق خواهد افتاد. با توقف توسعه سیاسی اساساً مطالبات این حوزه نیز به خواست‌های اقتصادی صرف تقلیل خواهد یافت و سرنوشت جامعه را دچار تحول و دگرگونی خواهد کرد.

در یک دهه گذشته، ایران نمونه آزمایشی برای توسعه انواع جدیدی از برنامه تحریم بوده است، برنامه‌هایی که بیشتر قدرت خود را از استفاده از تحریم‌های مالی می‌گیرد. ریچارد نفیو^۴ که به معمار ارشد برنامه تحریم ایران شهرت دارد، راه‌هایی را برجسته می‌کند که هدف آن‌ها تورم فزاینده است. از نظر نفیو، این تحریم‌ها «موفقیتی فوق‌العاده» بوده زیرا «اقتصاد ایران از رشد تولید ناخالص داخلی ۳ درصدی به کاهش ۶٫۶ درصدی بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ رسید. نرخ بیکاری و تورم ایران از آن موقع تا کنون همچنان دو رقمی است و ارزش پول ایران در عرض چند هفته کاهش یافته و این امر منجر به ریزش ذخایر ارزی ایران شد (Nephew, 2018: 109).

^۱ Harm-Distribution Approach

^۲ - رویکرد توزیع آسیب: به این معنا که، کل آسیب ناشی از تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه نه در نهادهای بالادست دولت بلکه بر روی جامعه و نهادهای اجتماعی و بنگاه‌های کوچک توزیع می‌شود. بنامفعت‌گرایی در تصمیم‌گیری گروهی حداقلی کمتر از اخلاق مبتنی بر برابری رایج است، عمدتاً آسیب‌گرا و به‌ندرت بی‌طرف است.

^۳ Richard Nephew

جدول ۱: تأثیر تحریم‌ها بر بازار آزاد و کاهش نرخ رسمی ارز خارجی، تورم، رشد تولید واقعی تحریم‌ها در دوره ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۱

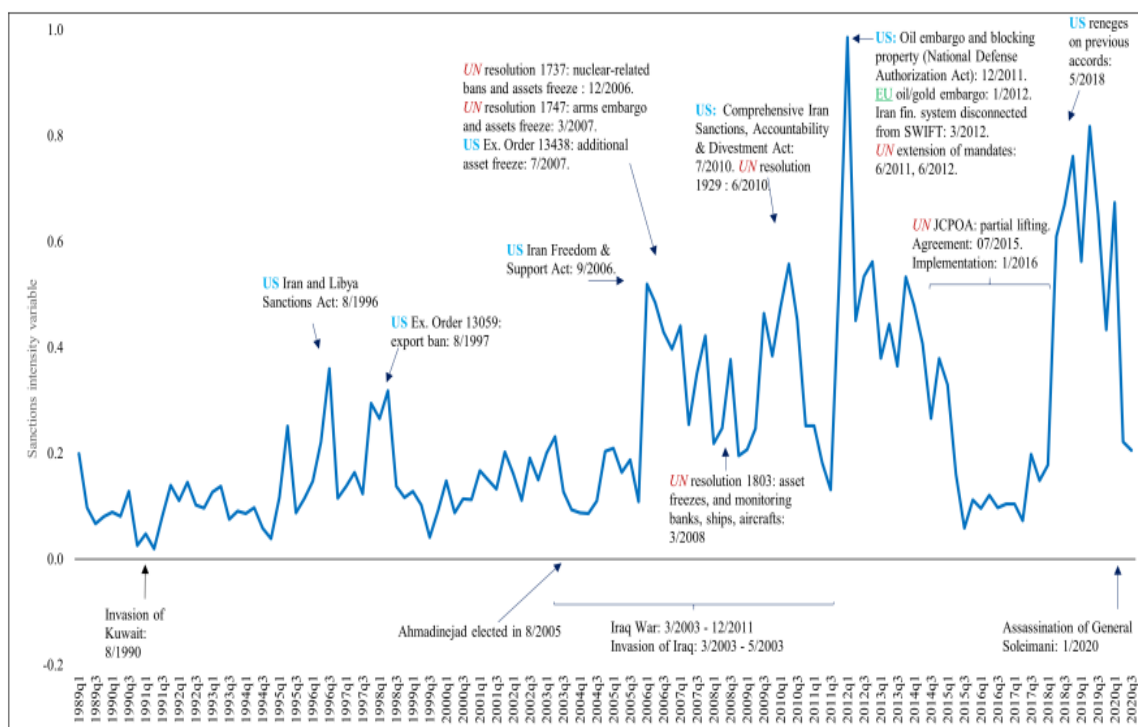
دوره	مبادله آزاد ارز	مبادله رسمی ارز	تورم	نرخ رشد	شدت تحریم‌ها (۰،۱) متغیر شدت تحریم شدید یا متوسط	
(۱۹۷۹-۱۹۸۹)	۱۹,۹۵	۰,۲۸	۱۸,۲۹	-۱,۶۰	۰,۲۰	۰,۱۱
(۱۹۸۹-۱۹۹۷)	۱۶,۵۵	۳۹,۸۳	۲۱,۱۷	۵,۱۶	۰,۱۱	۰,۱۰
(۱۹۹۷-۲۰۰۵)	۷,۹۰	۲۰,۳۴	۱۴,۵۳	۴,۷۲	۰,۱۵	۰,۱۳
(۲۰۰۵-۲۰۱۳)	۱۷,۰۸	۵,۱۶	۱۸,۱۵	۱,۶۸	۰,۳۸	۰,۳۹
(۲۰۱۳-۲۰۲۱)	۲۵,۳۴	۱۴,۶۶	۱۹,۶۱	۰,۸۳	۰,۳۴	۰,۲۷
(۱۹۷۹-۲۰۲۱)	۱۷,۳۹	۱۵,۳۰	۱۸,۳۴	۲,۰۱	۰,۲۳	۰,۱۵
(۱۹۸۹-۲۰۲۱)	۱۷,۳۸	۱۹,۸۸	۱۸,۳۰	۳,۱۳	۰,۲۴	۰,۱۶

(Laudati& pesaran, 2021: 10)

همانطور که در جدول مشخص است، مابین سال ۲۰۱۳-۲۰۲۱ که تحریم‌های اقتصادی جنبه هوشمند و پیچیده‌تری یافت، شاهد افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی نسبت به گذشته هستیم. بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ میانگین رشد اقتصادی سالانه در مقایسه با دوره قبل روند کاهشی بوده است. همچنین صادرات نفت خام ایران در مدت مشابه از ۲,۴ به ۱,۴ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. فعالیت‌های پنهان اقتصادی دولت نیز بیش از ۳۰ درصد کاهش یافت و بیش از اقتصاد رسمی از تحریم‌ها متضرر شد. پس از تقریباً سه سال مذاکره، ایران و پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد (چین، فرانسه، روسیه، انگلستان و آمریکا)، اتحادیه اروپا و آلمان به توافقی به نام برنامه جامع اقدام مشترک دست یافتند و در سال ۲۰۱۶ این قرارداد اجرا شد. در نتیجه، اکثر تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران برداشته شد و برای مدت کوتاهی به نظر می‌رسید که فعالیت اقتصادی به سطح قبل از تحریم بازگشته است. با این حال، در سال ۲۰۱۸ دولت جدید آمریکا تصمیم به خروج از برجام گرفت و تحریم‌ها را مجدداً علیه ایران اعمال کرد و عملاً به این توافق پایان داد و ایران را به وضعیت تحت تحریم بازگرداند (Farzanegan and Fischer, 2021: 1).

اقتصاد ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ به انواع مختلف تحت تحریم بوده است. با این حال، دانش سیستماتیک کمی در مورد تأثیرات کوتاه‌مدت و میان‌مدت تحریم‌ها بر الگوهای رشد اقتصاد ایران، رفاه عمومی شهروندان آن در شهرها و مناطق روستایی، پویایی‌های اجتماعی، فضای مدنی و محیط‌زیست کشور وجود دارد. تمرکز اغلب بر روی چند معیار بوده است که با تشدید تحریم‌ها شعله‌ور می‌شوند: کاهش ارزش پول، تورم و رکود که پس از آن با افزایش بیکاری و فقر همراه است. اما تصویر جامع‌تر در ناهنجاری سیاسی پیرامون آن گم می‌شود. وضعیتی که از یک‌سو، از دست رفتن مدیریت اقتصادی و به دنبال آن، ناهماهنگی اجتماعی در کشور را شامل می‌شود. از سوی دیگر، واقعیت‌های پسااستعماری حقوق بین‌الملل توسط چارچوب‌های تحلیلی که بر پژوهش‌های سنتی در این زمینه و دفاع از تحریم‌ها حاکم بود، پنهان شده است. به این ترتیب، استدلالی که حقوق بین‌الملل همیشه در دفاع از ایجاد محدودیت از طریق اعمال فشار و وضع قوانین تنبیهی در جهت مأموریت نظم جهانی و پروژه تمدن‌سازی داشته است، خود به محرکی برای عقب‌افتادگی جوامع بدل شده است.

نمودار ۲. متغیر شدت تحریم‌ها در دوره ۱۹۸۹-۲۰۲۰



(Laudati and Pesaran, 2021: 26)

نکته: رویدادهای مهم مربوط به خاورمیانه با فلش‌های زیر محور X نشان داده می‌شوند. قسمت‌های عمده تحریم‌های مربوط به ایران با فلش‌های بالای محور X نشان داده می‌شوند.

• تأثیر تحریم‌ها بر شاخص‌های اقتصادی در ایران

مکانیسم‌های متعددی وجود دارد که با اجرایی کردن آن تحریم‌ها در جهت تحریک تورم در ایران شروع به کار می‌کنند. در ابتدا، تحریم‌ها درآمد دولت را محدود می‌کند و منجر به کسری بودجه می‌شود که باید از طریق سیاست پولی انبساطی تأمین مالی شود (چاپ پول). کاهش صادرات نفت و در نتیجه درآمدهای نفتی، بیشترین تأثیرپذیری را از تحریم دارد. در ادامه، کاهش تقاضا برای خرید نفت و چالش‌ها برای تأمین تجهیزات لازم برای حفظ جریان چاه‌ها نیز منجر به کاهش قابل توجه تولید نفت خواهد شد. با منزوی شدن بخش فروش نفت، اقتصاد داخلی و بودجه دولت با مشکل مواجه شد. کاهش مصرف به انقباض در بخش خرده‌فروشی کمک می‌کند. فشارهای موجود هزینه تولید را کاهش می‌دهند و منجر به انقباض در بخش تولید می‌شوند. در مجموع، در هر دو سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸، بزرگی رکودهای اقتصادی که ایران تجربه کرده در درجه اول، به بخش نفت مربوط می‌شود.

در ادامه به تحولات اقتصادی که به دلیل تحریم‌های اقتصادی به وجود آمدند اشاره خواهیم کرد. یکی از شاخص‌های سنجش نابرابری در جامعه ضریب جینی است. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک (یا صفر و صد درصد) که آن صفر به معنی توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع است. در جدول زیر ضریب جینی خانوارهای شهری کل کشور و ۳۱ استان با اطلاعات به دست آمده از مرکز آمار ایران را نشان می‌دهد. ضریب جینی از ۰٫۳۷۳۰ در سال ۹۵ به ۰٫۳۸۳۵ در سال ۹۹ رسیده است، به بیان ساده‌تر نابرابری درآمدی ایرانیان در سال ۹۹ نسبت به چهار سال گذشته افزایش یافته است. همچنین سهم بیست درصد افراد فقیر جمعیت ایران از درآمد کل در سال ۹۹ تنها ۰٫۰۶ درصد بوده و این در حالیست که سهم بیست درصد ثروتمند جامعه از کل درآمد بالغ بر ۷/۸ درصد برآورد شده است.

جدول ۲. ضریب جینی خانوارهای شهری کل کشور و ۳۱ استان

استان	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
کل کشور	۰.۴۱۷۷	۰.۳۵۶۸	۰.۳۷۳۰	۰.۳۷۹۳	۰.۳۹۴۰	۰.۳۸۲۸	۰.۳۸۳۵
مرکزی	۰.۳۷۵۹	۰.۳۴۸۸	۰.۳۱۵۷	۰.۳۸۰۶	۰.۳۷۵۹	۰.۳۶۱۵	۰.۳۶۴۹
گیلان	۰.۳۹۹۹	۰.۳۱۱۸	۰.۳۸۸۴	۰.۳۳۹۷	۰.۳۴۲۰	۰.۳۹۸۲	۰.۳۲۹۶
مازندران	۰.۴۱۶۷	۰.۳۰۸۹	۰.۳۰۴۸	۰.۳۳۳۳	۰.۳۰۹۲	۰.۳۱۸۸	۰.۳۳۶۸
آذربایجان شرقی	۰.۴۱۷۰	۰.۳۶۶۸	۰.۳۴۱۳	۰.۳۴۱۳	۰.۳۸۷۴	۰.۳۳۹۳	۰.۳۷۳۳
آذربایجان غربی	۰.۳۷۳۵	۰.۳۳۸۰	۰.۳۷۳۰	۰.۳۳۳۵	۰.۳۹۳۵	۰.۳۵۸۵	۰.۳۴۱۲
کرمانشاه	۰.۴۰۸۲	۰.۳۴۱۳	۰.۳۸۱۳	۰.۳۹۷۶	۰.۳۳۶۵	۰.۳۰۲۱	۰.۳۰۱۴
خوزستان	۰.۳۶۵۲	۰.۳۳۷۰	۰.۳۷۹۳	۰.۳۷۷۸	۰.۳۷۳۶	۰.۳۳۴۴	۰.۳۴۳۵
فارس	۰.۳۵۵۷	۰.۳۵۷۰	۰.۳۲۱۰	۰.۳۰۴۳	۰.۳۵۷۴	۰.۳۲۰۰	۰.۳۱۸۶
کرمان	۰.۴۰۰۸	۰.۳۳۲۸	۰.۳۱۰۸	۰.۳۱۸۶	۰.۳۳۷۰	۰.۳۱۷۶	۰.۳۰۵۰
خراسان رضوی	۰.۴۲۴۷	۰.۳۳۶۷	۰.۳۳۰۳	۰.۳۸۰۲	۰.۳۶۰۶	۰.۳۳۱۱	۰.۳۳۶۹
اصفهان	۰.۳۹۳۷	۰.۳۳۷۸	۰.۳۳۵۵	۰.۳۶۱۶	۰.۳۳۷۰	۰.۳۱۱۶	۰.۳۹۳۳
سیستان و بلوچستان	۰.۴۲۳۷	۰.۴۰۰۶	۰.۴۰۳۶	۰.۴۰۰۴	۰.۳۶۵۰	۰.۳۴۷۰	۰.۳۵۷۰
کردستان	۰.۳۳۸۶	۰.۳۱۰۷	۰.۳۶۲۷	۰.۳۵۵۹	۰.۳۸۶۷	۰.۳۱۵۱	۰.۳۲۰۱
همدان	۰.۳۹۱۵	۰.۳۴۲۸	۰.۳۳۳۹	۰.۳۱۶۲	۰.۳۷۵۶	۰.۳۵۸۶	۰.۴۰۱۳
چهارمحال و بختیاری	۰.۳۳۸۰	۰.۳۳۳۷	۰.۳۰۰۳	۰.۳۰۹۸	۰.۳۲۱۰	۰.۳۱۳۱	۰.۳۲۲۶
لرستان	۰.۳۶۱۰	۰.۳۰۷۱	۰.۳۸۵۳	۰.۳۳۴۲	۰.۳۶۱۹	۰.۳۱۴۶	۰.۳۳۴۶
ایلام	۰.۳۷۰۴	۰.۳۳۰۳	۰.۳۹۹۶	۰.۳۶۵۳	۰.۳۰۶۷	۰.۳۱۲۴	۰.۳۱۷۵
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۴۱۶۴	۰.۳۰۴۹	۰.۳۴۳۹	۰.۳۴۵۰	۰.۳۹۶۱	۰.۳۱۱۸	۰.۳۰۲۴
یوشهر	۰.۳۵۰۴	۰.۳۱۹۰	۰.۳۳۸۳	۰.۳۲۰۲	۰.۳۳۴۴	۰.۳۸۷۹	۰.۳۰۰۰
زنجان	۰.۳۴۱۵	۰.۳۸۳۸	۰.۳۷۸۳	۰.۳۰۵۵	۰.۳۰۵۵	۰.۳۲۰۵	۰.۳۴۵۵
سمنان	۰.۳۷۴۵	۰.۳۳۳۰	۰.۳۹۰۱	۰.۳۹۳۶	۰.۳۹۸۷	۰.۳۹۳۸	۰.۳۴۳۵
یزد	۰.۳۵۰۹	۰.۳۱۶۵	۰.۳۷۰۲	۰.۳۸۳۲	۰.۳۱۷۲	۰.۳۳۵۰	۰.۳۲۹۹
هرمزگان	۰.۴۲۰۰	۰.۳۸۷۶	۰.۳۴۹۷	۰.۳۶۸۰	۰.۳۶۲۰	۰.۳۶۶۳	۰.۳۵۸۸
تهران	۰.۴۱۲۴	۰.۳۵۱۶	۰.۳۷۶۰	۰.۳۸۶۹	۰.۴۰۵۴	۰.۴۰۶۲	۰.۳۸۱۴
اردبیل	۰.۳۹۶۱	۰.۳۳۹۷	۰.۳۶۷۹	۰.۳۳۱۲	۰.۳۳۴۵	۰.۳۱۲۱	۰.۳۵۷۹
قم	۰.۳۸۰۳	۰.۳۵۹۸	۰.۳۱۵۹	۰.۳۲۵۱	۰.۳۶۸۲	۰.۳۱۵۴	۰.۳۳۱۴
قزوین	۰.۳۶۲۴	۰.۳۷۳۳	۰.۳۹۶۳	۰.۳۷۰۵	۰.۳۹۳۳	۰.۳۸۸۳	۰.۳۶۷۹
گلستان	۰.۴۰۸۳	۰.۳۸۰۶	۰.۳۸۸۷	۰.۴۰۱۰	۰.۳۷۳۶	۰.۳۵۹۱	۰.۳۶۵۵
خراسان شمالی	۰.۴۱۹۳	۰.۳۳۳۴	۰.۳۳۴۵	۰.۳۵۸۳	۰.۳۴۶۲	۰.۳۵۲۸	۰.۳۲۰۷
خراسان جنوبی	۰.۳۸۴۰	۰.۳۳۰۱	۰.۳۸۵۳	۰.۳۳۳۹	۰.۳۲۲۸	۰.۳۲۲۸	۰.۳۰۵۵
البرز	-	۰.۳۷۱۷	۰.۳۱۹۰	۰.۳۹۱۲	۰.۳۱۹۴	۰.۳۰۹۵	۰.۳۲۲۷

(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹)

جدول ۳. شاخص‌های توزیع درآمد ۱۳۹۶-۱۳۹۸

عنوان	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
ضریب جینی - کل کشور	۰.۴۰	۰.۴۱	۰.۴۰
سهم دهک اول - کل کشور (درصد)	۰.۰۲	۰.۰۲	۰.۰۲
سهم دهک دوم - کل کشور (درصد)	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۴
سهم دهک سوم - کل کشور (درصد)	۰.۰۵	۰.۰۵	۰.۰۵
سهم دهک چهارم - کل کشور (درصد)	۰.۰۶	۰.۰۶	۰.۰۶
سهم دهک پنجم - کل کشور (درصد)	۰.۰۷	۰.۰۷	۰.۰۷
سهم دهک ششم - کل کشور (درصد)	۰.۰۸	۰.۰۸	۰.۰۸
سهم دهک هفتم - کل کشور (درصد)	۰.۱۰	۰.۰۹	۰.۱۰
سهم دهک هشتم - کل کشور (درصد)	۰.۱۲	۰.۱۲	۰.۱۲
سهم دهک نهم - کل کشور (درصد)	۰.۱۶	۰.۱۶	۰.۱۶
سهم دهک دهم - کل کشور (درصد)	۰.۳۱	۰.۳۲	۰.۳۲
سهم ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین جمعیت - کل کشور (درصد)	۱۳.۶۵	۱۴.۴۵	۱۳.۶۹
سهم بیست درصد ثروتمندترین به بیست درصد فقیرترین جمعیت - کل کشور (درصد)	۸.۰۰	۸.۳۶	۷.۹۷
سهم بیست درصد فقیرترین جمعیت - کل کشور (درصد)	۰.۰۶	۰.۰۶	۰.۰۶

(بانک داده‌های اقتصادی و مالی ۱۴۰۰)^۱

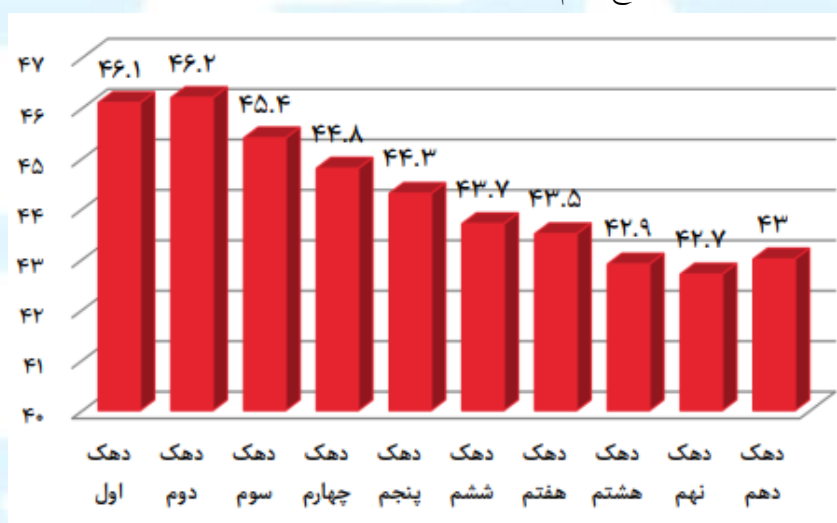
۱ - محاسبات بانک مرکزی تنها در قالب گزارش در اختیار نهاد ریاست جمهوری، مجلس، قوه قضاییه، وزرا و نهادهای بزرگ دولتی قرار می‌گیرد و امکان ارسال داده‌ها به شرکت‌ها وجود ندارد. آمار ارائه شده در خبرگزاری‌ها صرفاً بر اساس گزارش‌های درز کرده از این نهادها می‌باشد. لذا برای مقایسه درست دیتاهای به‌روز و تاریخی، تمامی دیتاهای تورم از مرکز آمار ایران و بانک داده‌های اقتصادی و مالی وزارت اقتصاد و دارایی استخراج و در قسمت‌های قبل و بعد ارائه شده است.

جدول ۴. نرخ تورم به تفکیک بخش‌های اصلی بر مبنای سال پایه ۱۳۹۵

شرح	کل کشور	شهری	روستایی
۱۳۸۰	۰.۴۳۰۴	۰.۴۱۹۹	۰.۳۸۶۴
۱۳۸۵	۰.۴۳۵۶	۰.۴۱۵۶	۰.۳۹۹۷
۱۳۹۰	۰.۳۷۰۰	۰.۳۵۶۸	۰.۳۳۹۴
۱۳۹۵	۰.۳۹۰۰	۰.۳۷۳۰	۰.۳۳۶۲
۱۳۹۶	۰.۳۹۸۱	۰.۳۷۹۳	۰.۳۵۵۹
۱۳۹۷	۰.۴۰۹۳	۰.۳۹۴۰	۰.۳۵۹۵
۱۳۹۸	۰.۳۹۹۲	۰.۳۸۲۸	۰.۳۵۳۹
۱۳۹۹	۰.۴۰۰۶	۰.۳۸۳۵	۰.۳۵۹۰

(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹)^۱

نمودار ۳. نرخ تورم سالانه به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای (درصد)



(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹)

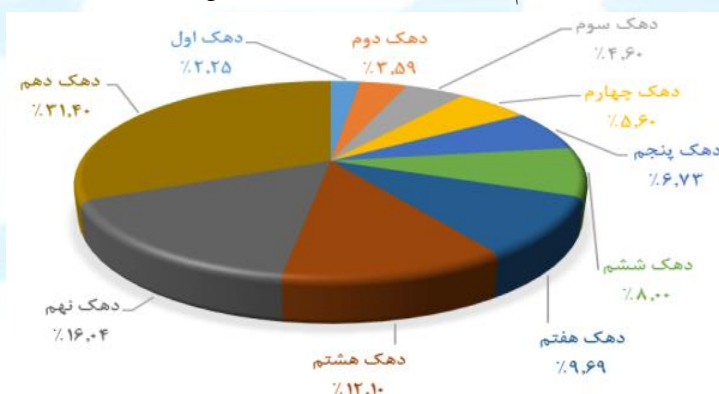
۱ - آمار نرخ تورم بانک مرکزی به صورت سالانه تا سال ۱۳۹۷ ارائه شده است و گزارش ماهانه آن به صورت پراکنده در سایت‌های خبرگزاری موجود است که به روز نیز نمی‌باشد. بر اساس پیگیری‌های صورت گرفته و صحبت با کارشناسان بانک مرکزی، مشخص شد در چند سال اخیر محاسبات بانک مرکزی در خصوص نرخ تورم به صورت رسمی در سایت بانک مرکزی منتشر نمی‌شود و این وظیفه بر عهده مرکز آمار ایران گذاشته شده است.

نمودار ۴. سهم دهک‌های هزینه خانوارهای کل کشور ۱۳۹۰



(بانک داده‌های اقتصادی و مالی ۱۴۰۰)

نمودار ۵. سهم دهک‌های هزینه خانوارهای کل کشور ۱۳۹۹



(بانک داده‌های اقتصادی و مالی ۱۴۰۰)

به‌طور کلی همانطور که از نمودار بالا مشخص است در یک دهه گذشته، دهک‌های پایین و اقشار فقیر جامعه با نرخ تورم بالاتری مواجه هستند و عمده اختلاف این گروه درآمدی با دهک‌های بالا در گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات است و تورم کالاهای غیرخوراکی برای دهک‌های بالا، بیشتر گزارش شده است.

با توجه به موارد یادشده، تحریم‌های اقتصادی موجب گردیده است اقتصاد ایران در برابر ممنوعیت‌های مالی و تجاری ناشی از تحریم‌ها، که عمدتاً بخش‌های اقتصادی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند، آسیب‌پذیر باشد. در این میان، توجه به تأثیرپذیری تورم از حجم پول در مکاتب اقتصادی مختلف سابقه طولانی داشته است. به بیان ساده، نظریه مقداری پول بیانگر این است که در سطح کلی، قیمت کالاها تحت تأثیر تغییرات در مقدار پول در جریان است. این نظریه بیانگر این است که قدرت خرید عمدتاً تحت تأثیر تغییرات حجم پول در جریان است، به‌طوری که وقتی پول زیاد می‌شود، قدرت خرید آن کاهش یافته و در نتیجه قیمت‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین، حوادث خاصی مانند: محاصره اقتصادی، در اجبار حکومت‌ها به افزایش حجم پول نقش دارند. به این ترتیب با توجه به آمارها بیشترین کانال اثرگذاری تحریم بر تورم از طریق رشد پایه پولی و نقدینگی است. از سوی دیگر تکانه‌های ارزی ناشی از تحریم نیز می‌تواند منجر به تورم وارداتی شود که عامل مهم دیگر (پس از نقدینگی) در افزایش تورم بوده است. سهم بالای تورم وارداتی در رشد شاخص بهای کالا و خدمات نشان‌دهنده

آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از اقتصاد بین‌الملل و وابستگی به واردات است. تحریم به‌صورت انتظاری نیز بر تورم اثرگذار است که این را می‌توان در نمودارهای زیر مشاهده کرد.

آسیب‌پذیری تورمی موجب دو پیامد بی‌ثباتی اقتصاد و افزایش تهدیدات اقتصادی - امنیتی می‌شود. هنگامی که آسیب‌پذیری تورمی در یک کشور بالا است، تکانه‌های نفت و غذا تأثیر قابل توجهی بر سطح قیمت‌ها می‌گذارند. و نرخ تورم و نوسانات آن را دائماً افزایش می‌دهند. در نتیجه یکی از مؤلفه‌های ثبات اقتصادی که ثبات قیمت‌هاست از دست می‌رود. این بی‌ثباتی قیمت‌ها به تدریج به سایر شاخص‌های اقتصاد کلان سرایت کرده و موجب بی‌ثباتی تولید، اشتغال، بودجه دولت، تراز تجاری و سایر شاخص‌ها خواهد شد.

جدول ۵. سری زمانی نقدینگی، پایه پولی و اجزای آن ۱۳۹۸-۱۳۹۰

عنوان	1390	1391	1392	1393	1394	1395	1396	1397	1398
پایه پولی برحسب منابع (میلیارد ریال)	764568.5	975795.1	1184877.7	1311479.2	1533600	1798300	2139800	2656900	3528500
خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (میلیارد ریال)	748618.2	769206.2	1678270.6	1584690.2	1936400	1924600	2159800	2416500	3475700
خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی (میلیارد ریال)	-73118.8	45997.5	38721.2	33226.3	182200	202600	57900	292000	156300
بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (میلیارد ریال)	418303.4	488313.8	602583.8	858048.8	836300	996900	1320300	1381700	1106900
خالص سایر (میلیارد ریال)	-329234.3	-327722.4	-1134697.9	-1164486.1	-1421300	-1325800	-1398200	-1433300	-1210400
پایه پولی برحسب مصارف (میلیارد ریال)	764568.5	975795.1	1184877.7	1311479.2	1533600	1798300	2139800	2656900	3528500
سپرده‌های قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی (میلیارد ریال)	357327.3	491534.5	677899.1	850360.2	1019600	1253900	1543400	1948000	2604700
سپرده‌های دیداری بانک‌ها نزد بانک مرکزی (میلیارد ریال)	96285.2	112650.8	115088.2	39327.4	57000	59400	61900	73000	222400
اسکناس و مسکوک در جریان (میلیارد ریال)	310956	371609.8	391890.4	421791.6	457000	485000	534500	635900	701400
نقدینگی برحسب اجزای تشکیل‌دهنده آن (میلیارد ریال)	3542551.9	4606935.9	6395504.8	7823847.9	10172800	12533900	15299800	18828900	24721500
پول (میلیارد ریال)	897572.5	1136717.7	1196028.2	1207559.2	1367000	1630300	1946700	2852300	4273000
شبه پول (میلیارد ریال)	2644979.4	3470218.2	5199476.6	6616288.7	8805800	10903600	13353100	15976600	20448500

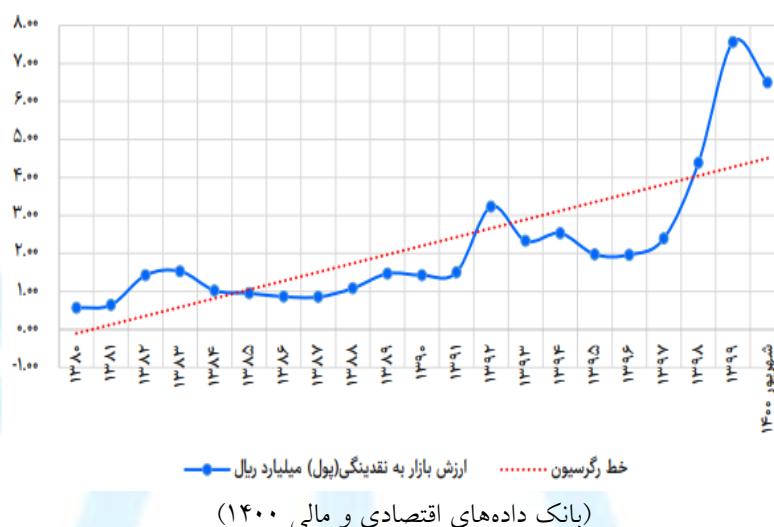
(دارایی ۱۴۰۰)

نمودار ۶. سری زمانی نقدینگی، پایه پولی و اجزای آن ۱۳۹۸-۹۸



(دارایی ۱۴۰۰)

نمودار ۷. ارزش بازار به نقدینگی پول از ۱۳۸۰-۱۴۰۰



بر این اساس، همراه با افزایش تعداد و مقیاس تکانه‌های قیمتی، بی‌ثباتی اقتصادی نیز به‌طور مکرر اتفاق می‌افتد که در بلندمدت با بهم‌ریختگی اقتصاد کلان کشور و تشدید فشارهای اقتصادی بر شهروندان و دولت، ساختار اقتصادی-سیاسی کشور را تضعیف می‌کند. در این وضعیت، افزایش نارضایتی عمومی از یک‌سو و ضعف اقتصاد ملی در مقابل رقبای خارجی از سوی دیگر، تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی را تشدید می‌کند. به این ترتیب، مسئله آسیب‌پذیری تورمی با میزان تأثیرپذیری از تکانه‌های قیمتی (نفت و غذا) ارزیابی می‌شود (حاج‌امینی، ۱۳۹۷: ۱۷۰-۱۷۱). در مورد ایران، وضع تحریم‌های جدید یا حتی اعلام آن‌ها همواره منجر به کاهش قابل توجه ارزش ریال ایران، کاهش صادرات نفت و درآمدهای ارزی و به دنبال آن افزایش شدید تورم قیمت‌ها و کاهش تولید در چند سال گذشته شده است. ۶ ماه پس از اعمال تحریم‌های جدید، روابط متقابل پویای اقتصادی جای خود را به افزایش نرخ ارز، عرضه پول و تورم داده است.

برای سنجش اقتصاد یک کشور از شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) آن کشور استفاده می‌کنند. شاخص تولید ناخالص داخلی که نشان‌دهنده قدرت تولید و به یک معنا قدرت زاینده‌گی یک اقتصاد می‌باشد، از جمع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولیدشده در داخل یک اقتصاد در یک بازه زمانی مشخص (یک سال) به دست می‌آید. هرچه تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد به نوعی می‌توان گفت که آن اقتصاد بزرگتر و قوی‌تر است. نمودار زیر نشان‌دهنده میزان تولید ناخالص داخلی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ می‌باشد.

نمودار ۸. تولید ناخالص داخلی ایران از ۲۰۱۰-۲۰۲۰



بر اساس آمار رسمی بانک جهانی، ارزش تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۰ به ۱۹۱/۷۲ میلیارد دلار رسیده است. ارزش تولید ناخالص داخلی ایران ۱۷,۰ درصد از اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهد که با توجه به نمودار فوق در چند سال اخیر با افت شدید همراه بوده است (The World Bank, 2022). زمانی که یک کشور تحت تحریم‌های اقتصادی قرار می‌گیرد، بخصوص در اقتصادهای (تک محصولی) در بخش صادرات و بازار سرمایه دچار بحران می‌شود، با تداوم تحریم این بحران به سایر بخش‌ها نیز سرایت می‌کند؛ از آنجا که تجارت بین‌الملل بر توزیع درآمد اثر می‌گذارد، به‌طور کلی استراتژی توسعه مبتنی بر ترغیب صادرات، توزیع درآمد را به ضرر عوامل تولید به‌کار گرفته‌شده در بخش صادرات جابه‌جا می‌کند. میراث دولت رانتیر و عدم تنوع پایه مالیاتی، دولت‌های ایران را با بودجه بسیار وابسته به نفت مواجه کرده است. حتی اگر سایر بخش‌ها مانند بخش املاک، بخش تولید و بخش خرده‌فروشی هر کدام به اندازه صنعت نفت در تولید ناخالص داخلی نقش داشته باشند، تحریم بخش نفت همچنان بیشترین پیامد را دارد زیرا مستقیماً بر مخارج عمومی تأثیر می‌گذارد. در طول دهه گذشته، تغییرات ارزش پول و اختلالات زنجیره تأمین کالاها، افزایش قابل توجهی در قیمت اساسی‌ترین کالاها در سبد مصرفی داشته است. با افزایش قیمت‌ها چشم‌اندازهای اقتصادی خانواده‌ها کاهش یافته و خانوارها با رکود دستمزدها و بدتر شدن بیکاری مواجه بوده‌اند. به این ترتیب، تحریم‌ها با کاهش قدرت خرید، افت قابل توجه رفاه در ایران را تشدید کرده‌اند.

سازوکار تحریم، آنطور که نفیو ادعا می‌کند، بر اساس به حداقل رساندن آسیب‌های انسانی نوشته شده است. در حالی که با توجه به اطلاعات و داده‌های فوق صحت این ادعا را می‌توان رد کرد. از آنجا که ایالات متحده نسبت وابستگی ایران به واردات را به‌خوبی درک کرده بود، درست زمانی که ارزش پول این کشور کاهش شدیدی را تجربه می‌کرد، برنامه تحریم‌ها را تغییر داد. به اعتقاد نفیو، این استراتژی از تقاضای بی‌کشمش بهره می‌برد در حالی که با هر افزایش نرخ ارز هزینه‌های وارداتی غذا و دارو نیز افزایش می‌یابد و این استراتژی صرفاً تقاضا برای کالاهای لوکس را هدف قرار نداده است؛ بر عکس، «در حالی که کالاهای تجمعاتی سرازیر می‌شد، به موازات آن ارزهای مبادلاتی از کشور خارج می‌شد و تشدید نابرابری درآمدی و تورم در ایران از همین‌جا شروع شد و بر خلاف ادعایی که مطرح شد، تحریم‌ها فشار مضاعفی را بر واردات غذا و دارو وارد ساخت. به این ترتیب، به دنبال تشدید نابرابری و تورم «فشار بر دولت ایران از منابع داخلی افزایش می‌یافت». یک تناقض آشکار در توصیف نفیو از این وضعیت وجود دارد. از یک‌سو در کتاب خود هدف از تحریم‌ها را ایجاد تورم می‌داند «تحریم‌هایی که هدفشان افزایش تورم در واقع، افزایش هزینه‌ها برای شهروندان عادی است». از سوی دیگر، معتقد است که افزایش قیمت غذا و دارو هدف تحریم‌ها نبوده است. اگر تحریم‌ها قصد دارند تورم ایجاد کنند، پس افزایش قیمت مواد غذایی هم لزوماً بخشی از همین برنامه است. با توجه به داده‌های شاخص قیمت مصرف‌کننده که توسط مرکز آمار ایران گردآوری شده از ۱۳۹۵ تا آذر ماه ۱۳۹۷ قیمت‌های عمومی ۸۵ درصد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). بنابراین، می‌توان گفت سطح تورم ناشی از یک برنامه تحریمی مشابه بازده انفجاری یک بمب است. به این ترتیب، آسیب‌های ناشی از بحران اقتصادی موجب ایجاد نابرابری درآمدی، شکاف و نارضایتی در بین طبقات و در نهایت بروز بحران انسانی می‌شود.

• تأثیر تحریم‌ها تقسیم‌بندی اجتماعی: تعلیق توسعه سیاسی و افول نهادهای مدنی

آنچه تا کنون آوردیم به وضعیتی مربوط می‌شد که اهمیت عناصر اقتصادی و نقش تعیین‌کننده آن‌ها را بر زندگی اجتماعی توضیح می‌داد و اینکه، سیاسی‌سازی و اقتصادی‌سازی زندگی چگونه درهم تنیده‌اند. زندگی به مثابه امری مازاد با جزئیات روشن درهم تنیدگی‌ها و مشابهت‌های گفتمان‌های این استدلال را که تحلیل زیست‌سیاست را نمی‌توان از اقتصاد سیاسی و یا نقد آن جدا کرد، موجه می‌ساخت. از طرفی، آثار نامطلوبی که در بخش اقتصادی از طریق تحریم‌ها بر زندگی شهروندان

تحمیل شده بود را نشان دادیم. اما در بررسی فعالیت اقتصادی و تأثیر آن بر زندگی شهروندان، تحول در الگوی زیستی شهروندان و دگرگونی مناسبات بین دولت و جامعه، باید وابستگی متقابل و تعامل بین عوامل مادی یا اقتصادی و ایدئولوژی-های سیاسی را در مواقع بحران که عملکرد دولت‌ها را از منظر اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌دهد، در نظر داشته باشیم. دوروتی اسمیت (۱۹۹۰) ایدئولوژی را به‌عنوان شیوه‌ای برای استدلال یا ایجاد دانش می‌داند که از زندگی شبانه‌روزی افراد درگیر در تعامل اجتماعی خلاصه می‌شود. به‌عنوان مثال، بخش‌هایی از دانش مانند اقتصاد یا جامعه‌شناسی را ایجادکننده «حلقه‌های ایدئولوژیک» که واقعیت‌های متنی انتزاعی را شکل می‌دهند و ایدئولوژی را تحت تأثیر واقعیت زیسته و مادی کاری که شهروندان برای تولید و بازتولید زندگی اجتماعی انجام می‌دهند، می‌داند (Smith, 1990: 172).

به عقیده گیدنز، ملت‌ها به لحاظ اقتصادی تحت فشار دولت‌های قوی بین‌المللی قرار می‌گیرند و این فشارها زمینه را برای ایجاد شکاف‌های اجتماعی داخلی فراهم می‌آورد و از سویی باعث فردی شدن و تمایز شدید در جوامع می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۹: ۳۶-۳۵). انسان مدرن که در اثنای جستجوی خویشتن، جستجوی هویت شخصی، سیاست زندگی^۱ را در پیش می‌گیرد. سیاست زندگی مفهومی آشناست، آنچه همه ما در زندگی روزمره به‌کار می‌بندیم، یا به‌عبارت بهتر سیاست تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی است. اگر بخواهیم تعریفی علمی‌تر و با به‌کارگیری مفاهیم جامعه‌شناختی ارائه کنیم باید بگوییم سیاست زندگی تدابیر لازم برای متحقق ساختن خویشتن، در جریان گرایش‌های متقابل جهانی و محلی و ظهور نظام‌های درون مرجع عصر جدید است، برای مثال، تصمیماتی که خود هویت شخصی را تحت تأثیر قرار می‌دهند: مثل اقدام برای یافتن معنا در زندگی، اقدام به برقراری رابطه عاطفی، ازدواج، اقدام برای شکل دادن اعتقادات دینی و غیره. بنابراین می‌توان گفت: هم‌پوند شدن در یافتن معنای زندگی و مؤلفه‌های اقتصادی تصمیمات فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در مقابل سیاست زندگی، سیاست رهایی‌بخش عنوان کلی‌ای است که گیدنز به بخشی از نحله‌های اساسی حوزه سیاسی اطلاق می‌کند که ویژگی همه این سیاست‌ها تلاش آن‌ها برای رهانیدن انسان از استعمار است. گیدنز می‌گوید اساس همه این سیاست‌ها آن است که سعی دارند قید و بندهایی را که موجب می‌شوند انسان از دستیابی به نهایت شکوفایی و رشد باز بماند، بگشایند. در واقع سیاست رهایی‌بخش با تعریف وبری از قدرت یعنی «توانایی یک فرد یا گروه برای تحمیل اراده خود به دیگران و بر خلاف اراده آنان» همخوانی دارد (شفیعی، ۱۳۹۳: ۱۵۵). آنچه در این مقاله به آن اشاره شد تقابل این دو رویکرد میان جامعه و دولت در ایران در گذر زمان است.

زندگی روزمره به‌عنوان عرصه بروز و نمود اعمال قدرت و تضاد از پتانسیل‌های بالقوه‌ای برای مقاومت برخوردار است. هزینه‌های بالای مقاومت در قالب تنبیه و حذف، به اندازه‌ای است که مقاومت‌کنندگان را از اعلام علنی آن بر حذر می‌دارد. اما این امر، از مداومت مقاومت نمی‌کاهد. بنابراین، مقاومت در زندگی روزمره جاری و ساری است، اما رخ نمی‌نماید. اسکات می‌نویسد: «کنش‌های روزمره مقاومت، بدون عنوان هستند». به بیان دیگر، در محمل زندگی روزمره، آنقدر عادی و بدیهی انگاشته می‌شوند که عنوان مقاومت دادن به آن‌ها و مجرم شناختن مرتکبان، نامحتمل و غیرمعمول است. بورديو، گیدنز، فیسک و دوسرتو، هر یک با تعابیر خودشان، استراتژی‌پردازی را در زندگی روزمره به معنای متداول و رایج آن در فضای عمومی و خصوصی جاری دنبال کرده‌اند. برای همین است که سبک زندگی، با مؤلفه‌های متفاوتی چون فراغت، پوشش، آرایش، مدیریت بدن، مصرف غذایی و از این قبیل موارد، پتانسیل‌های لازم برای بروز و نمود مقاومت را در خود دارد. بی‌شک چنین توجهی به قدرت و تخاصم بر سر آن در زندگی روزمره، ناشی از تاکید فوکو بر زندگی روزمره به‌عنوان

^۱ Life politics

^۲ Emancipator politics

متنی آکنده از قدرت و به‌طور همزمان، مقاومت است. همانطور که گفتیم فوکو قدرت را از نهادهای واجد آن بیرون کشیده و پرده از روابط قدرت و فضا به معنای کلان آن برداشته است (شفیعی، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۸).

آثار تحریم‌ها در کوتاه‌مدت، به دلیل درآمدهای گذشته دولت به‌طور چشم‌گیر قابل مشاهده نیست اما در بلندمدت، تحریم‌های اقتصادی به کاهش فرصت‌های تعامل در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد و بحران تمام بخش‌های دولت و جامعه را در بر خواهد گرفت. در این اثنا، جدال بین زندگی و زیست جمعی در پرتو رفاه و شادکامی جامعه و سیاست رسمی دولت مبنی بر جدال ایدئولوژیک و تاکید بر غرور ملی تعارض آشکاری به وجود آورده است که زمینه‌های ناکارآمدی برنامه‌های دولت در مقابله با تاثیر تحریم‌های اقتصادی را فراهم می‌آورد. دولت‌ها در وضعیت بحران نیز همچنان سرگرم دفاع از سهم خود در اقتصاد و پاسداری از حقوق حاکمیتی خود هستند و از مواضع خود به نفع حقوق نمایندگی‌شان (مشروعیت نزد اجتماع) کنار نمی‌روند؛ حتی در این مرحله آماده‌اند که بخشی از مشروعیت خود را برای دفاع از سیاست‌های رهایی‌بخشی و ایدئولوژی آن‌جهانی خود فدا کنند و تا آنجا که توان داشته باشند در مقابل فشارهای اجتماعی مقاومت خواهند کرد. در واقع، این مرحله شروع حاشیه‌ای‌شدن اقتصاد و تجلی گسست و دگرگونی در مناسبات دولت و جامعه است، یک دوره طولانی بحران بدون در نظر گرفتن «بهروزی و عزت نفس افراد جامعه»، در این مقطع، عرصه سیاسی هماهنگی خود را با هنجارها و طبیعت انسان از دست خواهد داد. به موجب همین بی‌اعتنایی به نیازهای طبیعی و ذاتی انسان‌ها در جهان امروز اعتبار دولت‌ها به‌شدت کاهش می‌یابد و سیاست رسمی دولت‌ها با مقاومت از سوی جامعه مواجه خواهد شد.

تأثیر تحریم‌ها بر زندگی روزمره شهروندان و بروز نابرابری‌ها یک تقسیم‌بندی اجتماعی ایجاد می‌کند. در جایی که جامعه متوجه می‌شود نیازهای اولیه زندگی برای استفاده عمومی به آسانی قابل دسترس نیست. اتفاقی که در این وضعیت رخ می‌دهد ابتدا، ایجاد شبکه‌ای از توزیع پنهان کالا و خدمات است که بدون در نظر گرفتن منافع جمعی جهت بهره‌برداری‌های شخصی و گروه‌های اقلیت بر روند قیمت‌گذاری و توزیع اثرگذارتر از دولت وارد عمل می‌شوند. در سطح جامعه نیز آن دسته از شهروندانی که خوش‌شانس‌تر هستند، خانواده و یا اطرافیان آن‌ها به منابع درمانی و اقلام غذایی یا تجهیزات پزشکی دسترسی دارند در حالی که افراد فاقد دسترسی که غالباً بخش بزرگتری از شهروندان هستند باید به اجبار در انتظار اقدامات حمایتی دولت برای تأمین نیازهای خود باشند. این وضعیت نه تنها تقسیم‌بندی جدیدی به وجود خواهد آورد و شکاف اجتماعی را تشدید می‌کند، بلکه دنیایی از تمایز میان (آن‌ها و ما) را ایجاد می‌کند و اولین نشانه‌های نابرابری و تعارض در جامعه به این شکل نمایان خواهد شد. به این ترتیب، بعد از دهه‌ها تحریم شکاف در مناسبات دولت و جامعه تشدید یافته و معنای زندگی در آستانه جدیدی از یک وضعیت استثنایی در ایران قرار گرفته و فشارهای ناشی از تحریم تبدیل به یک قاعده کلی از زندگی شده است؛ قاعده‌ای که می‌تواند بر تمام وجوه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شهروندان تأثیرگذار باشد.

در چنین وضعیتی، دومین بینشی که جامعه آگاهانه با درک شرایط اتخاذ می‌کند، مسئله مهاجرت است. آنجا که بحران اقتصادی و سیاسی بر همه ابعاد زندگی انسان ایرانی سایه افکنده و طبقه متوسط در حال افول است بسیاری از شهروندان در جست‌وجوی زندگی بهتر تصمیم به مهاجرت می‌گیرند، با افزایش مهاجرت بویژه در بین نخبگان و نیروی متخصص، کشور با چالش سرمایه انسانی مواجه خواهد شد. این بحران را می‌توان در رده بااهمیت‌ترین بحران‌ها و ایجاد تقسیم‌بندی جدید اجتماعی پس از بحران برای یک کشور دانست، چرا که جایگزینی سرمایه انسانی متخصص و ماهر حتی بعد از رفع بحران اقتصادی برای یک کشور نیازمند صرف زمان و هزینه بسیاری است.

قبلا به این موضوع اشاره کردیم که انسان اقتصادی و جامعه مدنی عناصر جدایی ناپذیرند، بنابراین، سیاست باید با ماهیت انسان سازگار باشد. در این برداشت، نظام اقتصادی بخشی جدایی ناپذیر از نظمی والا تر است. نظمی که قلمرو اقتصادی را تعریف و تحدید می کند. سیاست حیاتی سازوکارهای ضابطه مند ساز و هماهنگ کننده اقتصادی را در «خدمت زندگی» قرار می دهد، به طوری که اقدامات اقتصادی ابزاری برای رسیدن به یک غایت محسوب می شوند و نه غایتی فی نفسه. سیاست حیاتی ارزش های اخلاقی و سنت های فرهنگی را مجدداً فعال می کند و بر روابط و همبستگی معنوی ای که در طول زمان تکوین یافته تمرکز دارند؛ هدف این سیاست وارد کردن «شبکه و بافتی متراکم تر از پیوندهای زیستی در سراسر عرصه اجتماعی» است (لمکه، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

اگر بپذیریم جامعه مدنی ثابتی تاریخی- طبیعی برای بشریت است و هم نهادی خود به خودی افراد را تضمین می کند، جامعه مدنی عملاً حامل نوعی هم نهاد است. این هم نهاد از طریق تجمع رضایت های فردی در چارچوب خود پیمان اجتماعی مقدور خواهد بود، یعنی سعادت افراد هدف طراز اول جامعه مدنی است. آدام فرگوسن^۱ می گوید: «چطور می توان به اجتماعی شاد اندیشید، اگر اعضای آن به طور منفصل، ناشاد باشند؟». به عبارت دیگر، بین کل و اجزای تشکیل دهنده اش رابطه متقابل وجود دارد. با اینکه جامعه مدنی چیزی بیش از مجمع سوژه های اقتصادی است و از سوژه های اقتصادی صرف فراتر می رود اما، تا زمانی که پیمان اقتصادی در چارچوب جامعه مدنی وجود دارد، شکل و انعقاد این پیمان چنان است که سوژه های اقتصادی می توانند برای خود جایگاهی بیابند و منفعت جویی اقتصادی می تواند نقش خود را در آن ایفا کند. بنابراین از لحاظ شکلی جامعه مدنی نقش واسطه^۲ پیمان اقتصادی را دارد، اما پیمان اقتصادی نقش بسیار برجسته ای در جامعه مدنی دارد؛ پیمان اقتصادی در جامعه مدنی قرار دارد و در عین حال افراد را از طریق همگرایی خود به خودی منافع به هم پیوند می دهد، همچنین قاعده ای است برای انفکاک و افتراق آن ها؛ یعنی، هم پیوند دهنده است و هم تباه کننده. از این رو هم نهادی خود به خودی که پیمان اقتصادی در چارچوب آن قرار دارد، می تواند آن را بر سازد یا با خطر مواجه کند (فوکو، ۱۳۸۹: ۳۹۸-۴۰۸). به این ترتیب، می بینید که در این سازوکار اقتصادی وجود دارد که نشان می دهد چگونه با جامعه مدنی و بازی اقتصادی پنهان در آن، به اصطلاح به مجموعه تمام عیاری از دگرگونی های تاریخی عبور می کنیم. قاعده پیوند شکننده^۳ قاعده دگرگونی تاریخی نیز است. آنچه وحدت بافت جامعه^۴ را به وجود می آورد، در عین حال، قاعده دگرگونی تاریخی و شکاف مستمر^۵ بافت جامعه را هم به وجود می آورد (فوکو، ۱۳۸۹: ۴۱۰-۴۱۲).

آنتونیو نگری و مایکل هارت با یک تجدیدنظر نظر مهم و با الهام از مفهوم فوکویی زیست سیاست توضیح می دهند: آفرینش ثروت در جامعه «بیش از پیش گرایش به چیزی می یابد که ما آن را تولید زیست سیاسی، تولید خود زندگی اجتماعی می نامیم؛ در این تولید امر اقتصادی، امر سیاسی و امر فرهنگی به طور افزونی با یکدیگر هم پوشانی پیدا می کنند و یکدیگر را در بر می گیرند» (لمکه، ۱۳۹۶: ۷۱-۷۸). بنابراین، اهمیت امر اقتصادی به عنوان محور بحث این مقاله نشان می دهد، مادامی که روند بلند مدت تحریم میل زندگی را تهدید کند، این میل به زندگی، توانایی و غنای میل، اموری خواهند بود که جامعه را در تقابل با قدرت قرار خواهد داد و این همان هدفی است که سازوکار تحریم ها دنبال می کنند. از دل این رویارویی هنجارهای اجتماعی جدید از سوی جامعه و شیوه های کنترل نوین از سوی دولت ها شکل می گیرد و در نهایت مقاومت دوسویه مفهوم جدیدی از جامعه را جایگزین مفاهیم قبلی خواهد کرد. در اینجا، خود سازماندهی جامعه دقیقاً زمانی که سیاست رسمی و تصمیمات دولت ها، بی اعتنا به دغدغه های زیستی اجتماع باشد، آغاز خواهد شد.

^۱ Adam Ferguson

^۲ Medium

^۳ Dissociative association

^۴ Social fabric

^۵ Constant rending

نتیجه

مجموعه‌ای از انتخاب‌های مادی و فرهنگی در ارزیابی رفتارهای فرد به‌عنوان مؤلفه‌های هدایت‌گر رفتار دارای اهمیت است. از دهه ۱۹۷۰ میلادی زندگی از دو جهت به معیاری برای اندیشیدن و اقدام سیاسی بدل شد. ساختارهای سیاسی و اقتصادی که زیست انسانی را تقویت یا تهدید می‌کردند بر مناسبات قدرت و جامعه به اشکال مختلف اثر می‌گذاشت. حق حیات و محوریّت یافتن آن در متون حقوقی و قوانین اساسی موجب گردید در سطح انتظارات جوامع از سیاست‌گذاران و ایجاد پاسخی مناسب برای دغدغه‌های زیستی نیز تغییراتی ایجاد گردد. با اهمیت یافتن تجارت و مبادلات اقتصادی و تبدیل شدن آن به مسئله اساسی در قدرت، دولت‌ها قوانینی ایجاد کردند که تلاش برای اعمال فشار و محدودیت‌ها توسط کشورهای قدرتمند به بهانه دفاع از امنیت و منافع‌شان علیه سایر کشورها به یک ضرورت تبدیل شود. تحریم‌ها، یکی از انواع اقدامات قدرت‌های جهانی است که آثار مهم و قابل مشاهده بر عملکرد دولت‌ها در سطوح داخلی و خارجی و انزوای اقتصادی-سیاسی آن‌ها دارد. از نتایج آن به کاهش مبادلات تجاری و افزایش ناپایداری در نظام مالی می‌توان اشاره کرد. تأثیر تحریم‌های اقتصادی و غیر اقتصادی برای تمام کشورهایی که در معرض آن قرار می‌گیرند، یکسان نیست و نتایج آن نیز متفاوت است. اما تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به دلایلی از جمله طولانی شدن آن و پیشرفت غرب در استفاده از ابزار تحریم‌های هوشمند در دو دهه اخیر، فضای متفاوتی را در ایران شکل داده است و آنچه قابل رویت است چیرگی آن بر اقتصاد و جامعه ایران است. بنابراین، با توجه به تأثیراتی که عوامل اقتصادی بر جامعه مدنی و مقوله معنای زندگی دارد، بررسی اهداف مادی مرتبط با رفتارها و تصمیمات فرد در زندگی حائز اهمیت است.

در این پژوهش، مکانیسم‌های دقیقی که تحریم‌ها از طریق آن‌ها بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشته است، به‌صورت سیستماتیک مورد بررسی قرار گرفت؛ در ادامه، با توجه به آمارها نشان داده شد که کاهش ارزش ریال در کشور، کمبودهای مرتبط با تحریم‌ها و پولی کردن کسری بودجه همچنان به‌عنوان عوامل ایجاد تورم بالا باقی خواهند ماند، این در حالی است که نرخ تورم سالانه در ژانویه تا سپتامبر به‌طور متوسط ۴۶/۴ درصد بوده است. با توجه به آنکه پولی کردن کسری بودجه، موتور رشد عرضه پول در کوتاه‌مدت خواهد بود، اما در چشم‌انداز آتی که برای اقتصاد ایران قابل تصور است حتی با وجود کاهش تحریم‌ها، در صورت عدم اقدام به موقع مقامات کشور، ایران را به سمت خطر بروز یک مارپیچ ابرتورمی ویرانگر سوق خواهند داد. به این ترتیب، زمانی که ساختارهای اقتصادی یک کشور از عمل‌گرایی و محوریّت منافع اقتصادی فاصله داشته باشد و در بازه زمانی که کشور تحریم است، بیش از یک دهه باشد بعد از آن نمی‌تواند به راحتی به سطح عملکرد سابق خود بازگردد و این افت در بلندمدت موجب گسترش نارضایتی خواهد شد. بنابراین، دولتی کارآمد خواهد بود که دیدگاه تصمیم‌گیرندگان در عرصه سیاسی و اقتصادی آن در جهت اقدام به موقع و بر مبنای واقعیت‌های موجود با ایجاد روابط حقوقی و تغییر در الگوهای مدیریتی در جهت رفع تحریم‌ها و حفظ منافع ملی با در نظر گرفتن اهمیت زمان و هزینه فرصت باشد. به این ترتیب، اقتصاد و سیاست خود را به گونه‌ای توسعه دهد که نه تنها کیفیت زندگی را ارتقا ببخشد بلکه به جای سیاست‌های منفعل، تقلیل‌گرا و معطوف به گذشته، در عرصه سیاسی و اقتصادی برانگیزاند، فعال سازد، تحرک ببخشد و نظارت کند. ذکر همه این پیشنهادها برای آن نکته‌ای است که در ابتدا به آن اشاره کردیم، سیاست و ذیل آن تصمیم‌گیری‌های سیاسی در نهایت باید با طبیعت و ماهیت انسان سازگار باشد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱- تورن، آلن (۱۳۹۸)، برابری و تفاوت: آیا می‌توانیم باهم زندگی کنیم؟، ترجمه سلمان صادقی‌زاده، تهران: ثالث.

۲- جهانگیرلو، رامین (۱۳۸۵)، «هانا آرنه و سیاست مدرن»، بخارا، زمستان، ۱۵۵-۱۶۶.

- ۳- حاج امینی، مهدی (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه میان تورم وارداتی و شاخص‌های کلان اقتصادی: مشاهدات از ۳۴ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۲۳، سال ششم، ۱۳۹-۱۷۸.
- ۴- زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶)، نظریه‌های تحریم اقتصادی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۵- زیمل، گئورگ (۱۳۹۹)، فلسفه پول، ترجمه جواد گنجی و صالح نجفی، تهران: مرکز.
- ۶- شایان‌فر، شهناز و الهه قلعه (۱۳۹۸)، «مؤلفه‌های مابعدالطبیعی معنای زندگی به روایت اروین یالوم»، فصلنامه پژوهش‌های هستی-شناختی، سال هشتم، ۶۷-۹۳.
- ۷- شفیعی، سمیه سادات (۱۳۹۳)، «سیری در رویکردهای نظری متأخر به مقاومت»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۶۴: ۱۴۰-۱۸۶.
- ۸- عجم اغلو، دارون و جیمز ای رابینسون (۱۳۹۳)، چرا ملت‌ها شکست می‌خورند: ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر، چاپ اول، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور، تهران: روزنه.
- ۹- عمادی، محسن (۱۳۹۱)، «تاثیر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌مندی از حقوق بشر»، فصلنامه سیاست خارجی ۱، ۲۶: ۱۳۸.
- ۱۰- فدایی، مهدی (۱۳۹۵)، «نسبت سبک زندگی و معنای زندگی در اندیشه آلفرد آدلر»، پژوهشنامه سبک زندگی، سال دوم: ۶۵-۷۶.
- ۱۱- فوکو، میشل (۱۳۹۳)، اراده به دانستن، تهران: نی.
- ۱۲- فوکو، میشل (۱۳۸۹)، تولد زیست‌سیاست، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: نی.
- ۱۳- کاپوراسو، جیمز ای (۱۳۹۲)، نظریه‌های اقتصاد سیاسی، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: ثالث.
- ۱۴- گریفین، کیت (۱۳۹۷)، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر و محمدحسین هاشمی، تهران: نی.
- ۱۵- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، جهان رها شده، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی‌عبدالوهاب، تهران: علم و ادب.
- ۱۶- لمکه، توماس (۱۳۹۶)، درآمدی پیشرفته بر زیست‌سیاست، چاپ اول، ترجمه بهراد رحمانی، تهران: مرکز.
- ۱۷- مانهایم، کارل (۱۳۸۰)، ایدئولوژی و اوتوپیا: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت، چاپ اول، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: سمت.
- ۱۸- محبوبی آرانی، حمیدرضا و عباس جمالی (۱۳۹۹)، «آگامبن و فوکو: حاکمیت یا قدرت؟»، فصلنامه فلسفی شناخت، ۸۲: ۱۹۵-۲۱۵.
- ۱۹- نجف‌زاده، رضا (۱۳۹۳)، «زیست-قدرت در اندیشه سیاسی فوکو، آگامبن و نگری: از جامعه انضباطی تا جامعه کنترلی جهانی»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، زمستان: ۱۴۹-۱۷۲، دستیابی در سال پنجم.
- ۲۰- نظری، علی اشرف (۱۳۸۷)، «تبیین مفهوم هویت از چشم‌انداز گفتمانی»، فصلنامه علمی راهبرد، هفدهم: ۱۶۱-۱۸۰.

منابع غیرفارسی

- ۱- Agamben, Giorgio. 1995. HOMO SACER: Sovereign Power and Bare Life. Translated by Daniel Heller-Roazen. California: Stanford University.
- ۲- Carter, Barry E. 1987. International Economic Sanctions: Improving the Haphazard U.S. Legal Regime. California: Georgetown University Law Center.
- ۳- Farzanegan, Mohammad Reza, and Sven Fischer. 2021. "Lifting of International Sanctions and the Shadow Economy in Iran—A View from Outer Space." Remote Sensing 1-14.
- ۴- Gottemoeller, R (2007) the Evolution of Sanction in Practice and theory, survival ,vol. 49
- ۵- Hirschman, Albert O. 1945. National Power and the Structure of Foreign Trade. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- ۶- Laudati, D & Pesaran, M.H (2021). Identifying the Effects of Sanctions on the Iranian Economy Using Newspaper Coverage, CESifo Working Paper No. 9217, Pp 1-47.
- ۷- Lazzarato, Maurizio. 2006. "Biopolitics/Bioeconomics : a politics of multiplicity." Edited by Arianna Bove and Erik Empson. Multitudes 50-62.
- ۸- Masters, Jonathan. 2019. Council Foreign Relations. August 12. <https://www.cfr.org/backgrounder/what-are-economic-sanctions>.
- ۹- Nephew, Richard. 2018. The Art of Sanctions: A View from the Field. New York: Columbia University Press.
- ۱۰- Smith, Dorothy E. 1990. The Conceptual Practices of Power: A Feminist Sociology of Knowledge. Boston: Northeastern University Press.

- ۱۱- Stoddart, Mark C. J. 2007. "Ideology, Hegemony, Discourse: A Critical Review of Theories of Knowledge and Power." *Social Thought & Research* (University of British Columbia) 28 (12): 191-225.

منابع اینترنتی

۱- مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)

<https://www.amar.org.ir/english/SCI-News-Archive/ID/7978/categoryId/122/Consumer-Price-Index-in-the-Month-of-Azar-of-the-Year-1397>.

۲- دارایی، دفتر آینده پژوهی، مدلسازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی - معاونت امور اقتصادی - وزارت امور اقتصادی (۱۴۰۰)، بانک داده‌های اقتصادی و مالی

<https://databank.mefa.ir/data?from=1390&to=1398&f=1&d=2&indicators=3795,3768,3771,3776,3772,3773,3777,3778,3779,3780,3809,3801,3796&fromNews=80>

3- Bank, World. 2022. The World Bank. Accessed january.

<https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=IR>